

نامه‌های بدون تاریخ

۵۰۸

نامه دکتر مصدق به وزارت داخله

مقام منبع وزارت جلیله داخله دامت شوکته
قریه تخته واقعه در بشاریات قزوین را به توسط دبیر الوزارة از جناب حاجی مشیرالتجار
داماد مرحوم سعدالسلطنه خریداری نموده‌ام که سواد قباله آن به تمبر عدلیه به حکومت جلیله
قزوین بتوسط نماینده خودم ارسال می‌نمایم [۰] از قرار معلوم حاجی مختارخان که سمت
همسایگی به آن ملک دارد تخطی باراضی قریه تخته نموده جار و جمعیت آورده می‌خواسته
است مفسده نماید لازم است که به حکومت قزوین حکم فرموده از این اقدامات حاجی
مختارخان جلوگیری نموده اگر حرفی مقرون به حساب دارد در مقامات مقتضیه حاضر شده
اقامه دعوا نماید [۰] والا با جار و جمعیت که ملک متصرفی این بنده را نباید مختل نماید [۰]
امر امر مبارک است.
مصدق السلطنه

۵۰۹

جواب دکتر مصدق به انتشارات ترجمان‌الدوله، فهیم‌الدوله،

ممتاز همایون و مخبر همایون

چون سابقاً آنچه در خصوص دلایل دعوت مجلس مشاوره عالی باید گفته شود ذکر و در
جراید مندرج گردیده است دیگر تکرار را زاید دانسته فقط خاطر آن آقایان محترم را متوجه
می‌نمایم که اینگونه اعتراضات غیرواردی برای خارج شدن از موضوع و خلط مبحث می‌باشد اگر

آن آقایان خود را میری می‌دانند این تشبثات برای فرار از مجلس مشاوره عالی برای چیست زیرا برحسب قانون تشکیلات فقط هیئتی که می‌تواند به اتهامات وارده رسیدگی کند مجلس مشاوره عالی است در این صورت بر آن آقایان محترم است که از مقام منبع وزارت جلیله مالیه دامت شوکتة تقاضا نمایند که امر شود مجلس مزبور هرچه زودتر منعقد شده و در صورتیکه مجلس مزبور در تحت ریاست حضرت معظم‌له باشد بنده استدعا خواهم نمود که برای دادن توضیحات و دفاع از حقوق دولت حاضر شده تا معلوم شود آنچه را که برطبق راپرت کمیسیون‌ها و مأمورین مالیه در لایحه جواب اعتراضات جریدهٔ رعد نوشته شده از روی کمال بی‌غرضی بوده است والا در صورتیکه آن آقایان محترم از موضوع و مطلب خارج شده و باز بدرج اعتراضات در جراید اوقات خود را مصروف دارند معلوم است که قصدشان فرار از محاکمه در مجلس مزبور می‌باشد

مصدق السلطنه

۵۱۰

نامه دکتر مصدق به عبدالحسین فرمانفرما

این مسئله را کراراً بعرض حضور مبارک رساننده باز هم عرض می‌کند الحمدالله امروز تصور نمی‌شود از هیچ کاری دیناری فایده و دخلی باشد و بلکه کار هرچه بزرگتر است خرج اداره نمودن آنهم بیشتر می‌شود پس دراینصورت اگر مایل به شغل مرکزی هم باشید در صورتیکه باصرار حضرت اقدس والا را دخیل در کاری نمایند. البته شرف آن هزار درجه بالاتر است تا اینکه خود بندگان حضرت اقدس تقاضای شغل و کاری فرمایند بوحدانیت حق قسم است همین وکلای آذربایجان از قبیل مستشارالدوله و حاج امام جمعه سوای حاج میرزا ابراهیم آقا که عقیده به آمدن طهران دارد رأی نمی‌دهند و تصویب نمی‌کنند تشریف‌فرمائی طهران را بملاحظه حفظ وطن و خانه خودشان است زیرا که می‌دانند کسی دیگر از عهدهٔ این خدمت بر نمی‌آید اصرار در ایفا می‌نماید و نظام السلطنه هم مجلس می‌گوید بملاحظه اینکه فرمانفرما مفسد است کی مایل بآمدن طهران حضرت والا نیستند حتی بعضی از وکلای آذربایجان اصرار دارند همان آذربایجان باشید ولی در صورتیکه جدا استعفا بدهند اول کسی که اسباب تشریف‌فرمائی طهران را فراهم نماید همان حضرات اضداد هستند، که فعلاً مایل نیستند دراینصورت که مسلم است وجود مبارکتان آنقدر طالب و خریدار دارد طوری رفتار فرمائید که این حضرات بالتماس و استدعا حضرت والا را دخیل نمایند نه اینکه ماهی یکمرتبه استعفا بدهند. باز قبول توقف در آذربایجان را بفرمائید آنوقت وکلا می‌گویند برای رسیدن بمقام وزارت جنگ است گاهی استعفا می‌دهند وقتی که ملاحظه می‌فرمایند دیگر کاری نیست ناگزیر از قبول همان آذربایجان هستند چاکر

عرض می‌کنم اگر استعفای از آذربایجان برای نواقص امور است این مسئله واضح است که این حضرات اشخاصی نیستند که یکروز تلگرافخانه بیایند قراری بگذارند تکلیفی معین نمایند که لامحاله ترتیب وصول مالیات پارسال داده شود. در اینصورت دیگر چرا قبول می‌فرمایند همانطور که قبلاً استعفاء داده بودید قبول نمی‌فرمودید یک ماه تحمل بیکاری را می‌فرمودید تا معلوم شود بچه اصرار و بچه التماس، جزو الحاح نموده هر کاری که از آن بالاتر می‌باشد خودشان حتی خود شاه برحسب اصرار و کلا استقبال نموده راضی شود فرضاً طهران تشریف آورده یکماه یا دو ماه بیکار باشید غیر از اینکه تحصیل استیمان و دخالت در هر کاری با کمال شرف و آبرومندی خواهد بود ضرر دیگری متصور نیست.

حالا موقوف بامر مبارک است

(امضاء)

۵۱۱

تکذیب‌نامه دکتر مصدق

شرحی که در شماره ۳۴ جریده رعذ راجع به اینکه مالیات قارپوزآباد اخیراً از شش صد خروار به چهل خروار رسیده است خلاف واقع است قریه مزبوره را مرحوم مغفور مظفرالدین شاه به حضرت والا شاهزاده عضدالسلطان با جمع بیست خروار گندم «پنجاه تومان نقد» انتقال داده و در مجلس اول چنین تصویب شد که دو عشر عایدات مالیات آنجا باشد و از آن وقت تاکنون هم همین‌طور معمول و در این سنوات در مالیات آنجا تغییری حاصل نشده است مصدق‌السلطنه

۵۱۲

یادداشت دکتر مصدق به حسین مکی

قریانت شوم [؟] تلگراف جوف را برای اطلاع و استحضار خاطر محترم تقدیم می‌کنم چنانچه موضوع آن روشن باشد و جنابعالی از آن اطلاع دارید بنده را هم مستحضر فرمایید جواب آن داده شود.

۵۱۳

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

از اول هم خود بنده تصمیم نداشتم برحسب میل و فرموده جناب آقای دکتر بقایی اقدام

شد [.] در هر حال چون خیلی لازم به نظر نمی‌آید به کل منصرف شدم چنانچه جناب آقای دکتر شایگان لازم و واجب بدانند خبری تهیه فرمایند که پس از مشورت با جناب آقای نریمان ارسال فرمایند اگر موافق بودم که امضاء کرده ارسال می‌نمایم والا استدعا خواهم کرد که مذاکرات لازم بشود ولی عقیده خود بنده این است که عجالاً تأمل کنم ببینم چه پیش می‌آید [.] به واسطه کسالت بیش از این عرض نمی‌کنم [.]

۵۱۴

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت شوم [؛] مرقومه محترمه شرف وصول داد و موجب نهایت امتنان و تشکر گردید بنده بواسطه کسالت نتوانستم چیزی تهیه کنم این است که قاصد را فوراً روانه شهر می‌کنم که جلسه را بوقت دیگر موکول فرمایند [.] و بی‌جهت اسباب زحمت حضرات آقایان محترم نشود [.] در خاتمه سلامت حضرت‌تعالی را خواهانم

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

چنانچه جلسه شد و نتوانستند بوقت دیگر موکول فرمایند [،] فقط از حضرات آقایان استفسار فرمایند که چیزی لازم است از طرف عموم یا خود بنده منتشر شود یا نه اگر لازم است تهیه فرمایند.

۵۱۵

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قربانت شوم [؛] چون حالم مساعد نبود چند تلگراف دیگر رسیده بود که جواب دادم اکنون تلگرافی از مشهد رسیده که چون جناب آقای دکتر فاطمی فرمودند مقرر است خلاصه از تلگرافات در روزنامه درج شود آن را تقدیم می‌کنم که اگر لازم باشد در روزنامه درج فرمایند والا جواب تمام تلگرافات داده شود [.]

۵۱۶

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

قربانت شوم [؛] استدعا دارم امروز بجای ساعت ۶ یک ساعت بعدازظهر که بیش از این بنده

در مجلس نخواهم ماند سرافراز فرمائید که وقتی برای مذاکره باشد [.] امیدوارم از قبول این استعدا قرین تشکرم سازید.

دکتر محمد مصدق

۵۱۷

نامه دکتر مصدق به مهندس حسینی

صبح سه‌شنبه

قربانت شوم [۴] امیدوارم که وجود محترم سلامت باشد لازم است امروز هر ساعتی که تعیین فرمائید به زیارت حضرت عالی نایل شوم [.] امیدوارم کسب سعادت شود و عرائض خود را حضوراً عرض کنم.

دکتر محمد مصدق

۵۱۸

نامه دکتر مصدق رئیس کمیسیون مختلط همکاری مجلسین
به اعضاء مجلس شورای ملی

[بعد از ۱۳۲۹/۵/۳]

بعرض حضرات آقایان محترم می‌رساند

جناب آقای تقی‌زاده رئیس محترم مجلس سنا نامه‌ای نوشته و تشکیل کمیسیون آئین‌نامه مشترک مجلسین را تقاضا فرموده‌اند. نامه ایشان از لحاظ محترم می‌گذرد چنانچه موافقت بفرمایند کمیسیون برای روز یک‌شنبه هشتم مرداد ساعت ۶ بعدازظهر دعوت شود. چون حضرات سناتورها دفعات قبل اول وقت تشریف آورده‌اند مقتضی است که حضرات آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی هم اول وقت تشریف بیاورند که کار در یک جلسه تمام شود. [امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۱۹

نامه دکتر مصدق به آقای تاج

[بعد از ۱۳۲۹/۵/۳]

فوری

جناب آقای تاج

خواهشمندم ۱۲ نفر آقایان محترم سناتورها و ۱۲ نفر آقایان محترم نمایندگان مجلس شورای ملی را برای روز یک‌شنبه ساعت ۶ بعدازظهر دعوت بفرمایند و جواب جناب آقای

تقی‌زاده را هم تهیه فرمایند که کمیسیون برای روز یکشنبه ۸ مرداد ساعت ۶ بعدازظهر دعوت شده و البته از نتیجه کار کمیسیون مستحضر خواهند شد. نامه را بیاورند که بنده امضاء کنم.
[امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۲۰

پیشنهاد جمعی از نمایندگان و دکتر مصدق به کمیسیون بودجه

مقام محترم کمیسیون بودجه

از محل شهریه ما که بانفعا معارف ولایات قطع شده است امضاءکنندگان درخواست می‌نمائیم که مبلغ بیست و پنج هزار تومان برای تأسیس مدارس ابتدائی در ولایات آذربایجان که اهمیت آن را عموم نمایندگان محترم تصدیق دارند تخصیص داده شود.

[پس از ۱۲ امضاء، دکتر مصدق چنین نوشته است:]

عقیده این بنده این است که این اقل مصارف محتاج به تعیین محل نیست و همه می‌دانند که توسعه معارف در آذربایجان از قضایای حیاتی است و بیست و پنج هزار تومان را هم که آقایان محترم پیشنهاد فرموده‌اند بنده برای توسعه معارف در تمام ولایات و قصبات آذربایجان کم می‌دانم.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۲۱

نامه دکتر مصدق به حسین مکی

قریانت گُردم [!؛] کتاب قوانین مجلس شورای ملی امروز برای بنده ضرورت دارد خواهشمندم آن را به حامل لطف فرمائید که بیاورد و چنانچه با مذاکرات مجلس که یک جلد و خدمت جنابعالی است و بنده امانت گرفته‌ام احتیاجی نیست آن را لطف فرمائید که به صاحب کتاب برسانند [.] قرار بود هر روزی که می‌خواهید تشریف بیاورید روز قبل با تلفن اعلام فرمائید [.] از اینکه روز چهارشنبه تشریف آوردید متأسفم که نبودم و از کتاب مرحمتی هم بسی متشکرم و به عرض این مختصر سپاسگزاری می‌کنم

دکتر محمد مصدق

[مجدداً]

کتاب مذاکرات مجلس را جوف روزنامه بگذارید و با ریسمان ببینید که مال امانت صحیح و سالم برسد [.] امروز هم بنده گرفتارم و از پذیرایی معذرت می‌طلبم.

۵۲۲

نامه دکتر مصدق به خانم قدسی مظفری

۲۴ تیرماه

قربان قدسی عزیزم

تصور نمی‌کنم بقدر کافی در این جا بطری برای آب‌غوره باشد. هرچند بطری که لازم دارید بطری با چوب‌پنبه بفرستید که این روزها به این کار مشغول خواهند شد و باید بدانند که چقدر لازم دارید. این را هم لازم است بنویسید که چند بطری ترشی و چند بطری ملس مورد احتیاج است. قربان قدسی خانم

۵۲۳

دستخط دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

سیگار «هما» دوسه جعبه در محل است ولی سیگار نوع دیگر نیست. ۱۰ جعبه سیگار نمره اول ایرانی دستور دهید مشهدی محمود خریده بفرستید.

۵۲۴

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

نمی‌دانی چه حالی دارم از روزی که تلویزیون آمده بواسطه تنهایی تمام شب باین مشغول بودم، رفته‌رفته طوری مرا عصبانی کرده که شب قبل هیچ نخوابیدم، هرکار اندازه دارد، افراط در هرکار این نتیجه را می‌دهد ولی من چاره نداشتم، اگر شب کار کنم، گذشته از اینکه کاری نیست بی‌خواب می‌شوم و نمی‌خوابم، تصور می‌کردم تلویزیون مثل کار نیست و مرا عصبانی نمی‌کند، اکنون می‌بینم تدریجاً همین‌کار را کرده. در زندگی همه چیز لازم است، کار؛ معاشرت؛ صحبت و هر چیز که موجب تنوع بشود، این را نوشتم که از حال مسبوق بشوی.

۵۲۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

تبریکی که برای سال جدید دکترشاخت نوشته چون با پست عادی فرستاده است اخیراً

رسید. شما یک نامه برای اظهار تشکر به او بنویسید و بگوئید این دو سال چند ماه زمامداری من که برای مملکت مفید واقع نشد سبب شد به اشخاصی که قلباً ارادت داشتیم و شما را ببینم و باز این هم یک سعادت بزرگی برای من بود که بدیدار شخص جنابعالی موفق شوم و عوالم ارادت قلبی خود را با زبان الکن خود تجدید نمایم.

الکن در این جا بمعنای عاجز از اظهار.

۵۲۶

نامه دکتر محمد مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

از این شوفری که هست چون مشروب نمی خورد راضی بودم ولی توقعات او بقدریست که از عهده نمی شود برآمد.

تا یک ماه قبل که حسن آقا شاگرد او بود برای هر دفعه رفت و آمد بشهر ۱۰۰ لیتر بنزین مصرف می شد اکنون زیادتر می خواهد و می گوید باید انژکتور را عوض کرد، ۴ انژکتور هر کدام متجاوز از ۱۰۰ تومان و ۴۰۰ تومان هم خرج تعمیر، چنانچه در این تعمیرگاه که خودش می گوید نبرند بعد از چند روز عیب دیگری بروز می کند که باز باید تعمیر شود و بهمین تعمیرگاه فرستاد.

خلاصه اینکه از این اخلاق که به دیگران هم دارد سرایت می کند ذلّه شدم و نمی دانم چه باید کرد، یا باید هرچه می گوید برای گازوئیل داد و یا کامیون را بتعمیر فرستاد.

خواستم بدانم آیا شما دوست و آشنایی دارید که از او یک شوفر خوب خوش اخلاق و دارای تصدیق شماره ۱ بخواهید؟ اگر دارید به من بنویسید ترتیب آمدن او را بدهم، یعنی شوفر فعلی را جواب کنم و بعد بنویسیم که او را روانه کنید. چنانچه شوفر را قبول کنم و کامیون را برای تعمیر بشهر بفرستم ترتیب کار تعمیر این است که اشیاء مورد احتیاج را آقامهدی خریداری می کند ولی از بابت اجرت او اطلاعی ندارد هرچه این شوفر گفت باید پرداخته شود.

فقط لازم است که آقامهدی با این شوفر کامیون را برای تعمیر ببرد که چند روز هم با آن کرایه کشی نکند. اگر شوفر سراغ ندارید از طرف خودمان محرمانه به آقامهدی بگویید هر وقت که کامیون یا تراکتور احتیاج تعمیر پیدا کنند آقامهدی باید با کامیون بتعمیرگاه برود و روزی هم که کارش تمام می شود با وجود آقامهدی کامیون را از تعمیرگاه خارج و بده روانه نماید، البته از طرف خودمان و بطور محرمانه با او بگویید. اکنون منتظر جواب شما هستم.

۵۲۷

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

به واعظ احمدآباد هر سال یک هدیه‌ای می‌دهم. سال قبل یک عبای ندرخته کار رشت داده‌ام، امسال می‌خواهم یک قلم خودنویس در حدود شصت تومان تا هفتاد تومان بدهم. اگر قلم خودنویس به این قیمت که قاب هم داشته باشد و صورت ظاهر خوبی هست یک عدد خریده برای من بفرستید که در آخر رمضان این کار بشود، چنانچه چیز دیگری شما صلاح می‌دانید بنویسید که وقت داریم و کار بهتری بشود.

۵۲۸

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۲۶ آذرماه

قربان احمد عزیزم [!]: کاغذ شما رسید از اینکه کامیون احتیاج بخیرداری میل‌لنگ نداشت خوشوقت شدم، نمی‌دانم این نظریه گاراژ فرد شیشه بود یا نظریه آقای محمدآقا، چنانچه می‌دانید که محمدآقا اطلاعات کم است و نمی‌تواند درست رسیدگی کند بطوری که به او برنخورد چون که آدم درستی است یک نفر را یکی دو مرتبه بفرستید سرکشی کند و البته کسی باشد که متخصص این کار باشد و هرچه هم باید به او داده شود بدهید که انشاءالله کامیون تا چندی بدون تعمیر کار بکند. البته طوری نباشد که به محمدآقا بربخورد و بعد که کامیون کار نکرد تقصیر را بگردن متخصص بگذارد.

۲ عدد پریز رسید.

راجع باجاره آپارتمان بطوری که نوشته‌اید موافقم که یک اجاره‌نامه برای آن قسمت مطب و یک اجاره‌نامه دیگر برای قسمت دیگر تنظیم شود، امیدوارم که جناب آقای امینی اقدام فرمایند. قربانت پایا

۵۲۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

مستأجر دکان خیابان قوام‌السلطنه متعلق به خدیجه حاضر شده است که ۴ یا ۵ هزار تومان به او داده شود دکان را خالی کند، یعنی خودش می‌خواهد خالی کند و می‌گوید این دکان برای من فایده‌ای جز ضرر ندارد.

شما نقشه ساختمان این زمین را بفرستید یا روز جمعه که می‌آید با خود بیاورید مذاکره کنیم و اگر صلاح باشد شروع به ساختمان آن نمائیم.

قربانت پاپا

۵۳۰

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

بعد از رفتن تو این بنظرم رسید که بنویسم عکس اگر کم باشد موجب توجه مردم قرار می‌گیرد و چنانچه زیاد بشود مورد تنفر خواهد شد. دادن عکس به بعضی و ندادن به دیگران موجب عدم رضایت می‌شود، خصوصاً عکس خواندن روزنامه و مجله که این سبب خواهد شد دیگران هم از تو همین عکس را بخواهند اگر بدهی و بهرکسی بدهی بسیار بد است و چنانچه موافقت نکنی از تو گله‌مند خواهند شد. مخصوصاً می‌نویسم که عکس خواندن روزنامه یا مجله صلاح نیست به کسی داده شود و این غیر از یک عکس معمولی است ایجاد مخالفت و دشمنی خواهد کرد، اگر نداده‌ای باید داده نشود و چنانچه داده‌ای باید پس‌گیری.

قربانت پاپا

۵۳۱

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

جوابی از آقای شمشیری نرسید و من نمی‌دانم چرا حاضر نیستند که یک ساعت وقت خود را صرف این کار بکنند. کاغذ آقای دکتر صدیقی را بفرستید و با تلفن به ایشان بگوئید اگر من مسئول این وجه نیستم بنویسید که نیستم، چنانچه هستم تا متصدیان کار حی و حاضرند نظر خود را بفرمائید که تکلیف من با آنها معلوم شود. دیگر اینکه می‌خواهم یک صورت حسابی برای آقای دیبا بفرستم چون که در کاغذ اخیر نوشته است که هر سال ۷۰۵ هزار تومان بعد از وضع مخارج عایدی موقوفات است و اکنون باید جستجو کرد که این مبلغ بکجا می‌رود [؟] شرافتیان و خاضعی که حساب نمی‌دهند و نمی‌دانم با آنها چه کنم [؟] مخارجی که شما برای ساختن حوض و چیزهای دیگر کرده‌اید اگر در حساب سال ۱۳۳۴ نوشته شده فقط قیمت ماشین رخت‌شوئی را بنویسید که با خرید تختخواب‌ها صورت بدهم و بدانند در این دو سال به این مصارف رسیده و مبلغی هم من طلبکارم برای اینکه خرج املاک موقوفه نموده‌ام ولی

چنانچه مخارج حوض و غیره در حساب سال ۱۳۳۴ نوشته نشده مبلغ تقریبی آن را از شرافتیان یا خاضعی بپرسید و بنویسید.

قربانت پاپا

[مجدداً]

صورت حساب سال ۱۳۳۲ را می‌فرستم ملاحظه فرمائید.

۵۳۲

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمد عزیزم [؟] قربان تو که همیشه در فکر من هستی، کسالت من جسمی نیست که احتیاج به مراجعه‌ی طبیبی امراض داخلی باشد، بلکه روحی است که سالیان دراز گاه‌بیگاه به آن مبتلا می‌شوم. اکنون قدری بهترم البته هر وقت احتیاج بیدار طبیعی پیدا کند می‌نویسم هرکس را که صلاح می‌دانید بیاورید و اما راجع به دو موضوع که مذاکره کرده‌اید از بابت حواله‌ی پول آسانسور خاطر من راحت شد و اکنون باید به آقای دیبا جواب داده شود آیا صلاح می‌دانید بنویسم بقیه قیمت آسانسور را از وجهی که می‌خواهید بدهید کسر کنید مشروط بر اینکه هر وقت آقای شمشیری طلب شما را پرداخت آن را به حسابداری بیمارستان رد کنید. در صورتی که این طور صلاح باشد کاغذ را تجدید کنم و برای نماینده‌ی آقای دیبا بفرستم. در موضوع سند من هیچ ننوشتید چه جواب داده‌اند، البته در این باب هم لازم است مطلع کنید.

۵۳۳

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع به قنات رستم‌آباد بطوری که آقای مقنی‌باشی نوشته دو همسایه مجاور اعتراض دارند. کاغذ آقای مقنی‌باشی را می‌فرستم که بخوانید. یکی آقای قزل‌ایاغ است و دیگری مالکین اسمعیل‌آباد. شما مقنی‌باشی را بخوانید و مذاکره کنید. کاغذ نوشتن من هیچ مورد ندارد. ما هیچ وقت نمی‌خواهیم آب دیگران را ببریم و در بیمارستان مریض بستری کنیم. اینکه نوشته است کدخداحسین از طرف آقای نوائی و شیخ رضائی اقدام می‌کند عیناً مثل اقدامی است که آقای شرافتیان و آقای خاضعی از طرف موقوفه کرده‌اند. اگر آقای کدخداحسین هم سهمی از اسمعیل‌آباد دارند باید هر سه نفر شخصاً اقدام کنند. شما اول با آقای مقنی‌باشی مذاکره کنید و بگوئید هر چهار نفر باید حاضر شوند کارشناس

خود را معین کنند، چنانچه کار موقوفه علی آباد با یک نفر است، البته چهار نفر و اگر با چند نفر است همگی حاضر شوند، کارشناس خود را معلوم کنند، کارشناس ما هم آقای مهندس ابراهیمی است اگر می‌خواهید آقای مهندس ابراهیمی را کارشناس مشترک قرار دهید در این صورت من آقای دکتر سجابی را کارشناس طرف خود تعیین می‌کنم والا روی یک نفر آدم متدین که دین و ایمان خود را به پول نفروشد طرفین معین کنیم که زودتر کلک این کار کننده شود. شما بگوئید که ما کهسه داریم تا محلی که کهسه هست حق کارکردن داریم. از آن به بعد باید طبق قانون عمل شود ولی هر جا که کهسه باشد کهسه در تصرف ماست و هیچ کس نمی‌تواند جلوگیری کند. به آقای معظمی هم بگوئید که ما کهسه داریم، ایشان نگذارند که ژاندارم کار را تعطیل کند تا کارشناس‌های طرفین و کارشناس مشترک رأی خود را بدهد. در ورقه تعیین کارشناس باید نوشته شود چون کار کهسه داریم حق ممانعت ندارند، بآقای مقنی‌باشی هم بگوئید از مجاورت کار کهسه خارج نشود، چون اگر خارج شد آن وقت می‌توانند حق ما را از بین ببرند. دیگر منتظرم ببینم شما چه می‌کنید، نوشته را هم باید خود من امضاء کنم.

راجع به کارشناس مشترک البته هرکسی را که شما اطمینان دارید من موافقت می‌کنم. خوب است با نظر جناب آقای دکتر سجابی دو سه نفر را پیشنهاد کنید، هر کدام را قبول کردند نوشته رسمی تنظیم شود.

۵۳۴

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

احمد عزیزم [!]: اگر بخواهی این پیرمرد از دنیا گذشته را برای اینکه استخوان خود را سبک کند به عتبات ببری من موافقم مشروط بر اینکه بیش از یک هفته طول نکشد. والسلام

۵۳۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع بخواستن حساب از اشرف، مقصود فقط توجه اوست به زندگی، چون که همیشه پدر و مادری نیست که کفیل خرج اولاد بشوند. اولاد خود باید پدر و مادر دیگران بشوند. اشرف می‌توانست با همین پول یک خانه کوچک برای خود بخرد که اکنون اجاره نکند و اسبابش بکولش نباشد، از یک خانه دیگر برود. من اصرار ندارم که به من حساب پول خود را بدهد، می‌خواهد بدهد، می‌خواهد ندهد.

تو خودت می‌دانی که وضع زندگی من چیست و اکنون حتی برای تهیه وجه خدوچ نمی‌دانم

چه کنم، اشرف هم اولاد من است، اگر نداشته باشد باید به او بدهم. برای خدوچ که پول تهیه کردم، از همان پول اشرف مخارج ایاب و ذهاب خود و دیدار حکیم و چنانچه در یک بیمارستانی هم باید چند روز بماند حساب کند، ولی برای توقف در سوئیس دیگر وجهی نیست که من بدهم، بسلامتی هرچه زودتر پس از معاینه حکیم و گرفتن دستور برگردد و در ایران زندگی کند.

راجع، مجید هم بعد از رفتن تو من بخاطر آمدن که سالهای قبل از رفتن به زندان من سالی ۱۵۰ تومان به اقامجول می‌دادم، اکنون هم باید بدهم و حساب آن دست آقای شرافتیان نبود که از او سؤال کنید، [از] اشرف پرسید چند سال است مجید طلبکار است آن را هم از وجهی که برای خدوچ می‌دهم بردارد و کسر کند. دیگر بیش از این چه بنویسم، اگر حرفی هم می‌زنم آن هم در خیر خودتان است چه بهتر از اینکه هرکس برای خود وضعیتی درست کند که حتی به پدر و مادر هم محتاج نباشد.

۵۳۶

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع به کتاب روابط سیاسی ایران و انگلیس، من تصور می‌کنم متعلق به جناب آقای عنایت باشد آن را فرستادم، اول برای ایشان بفرستید، چنانچه فرمودند مال ایشان نیست آن وقت جستجو کنید تا صاحب آن را پیدا نمایید.

یک کتابی هم خانم نیراشرف ثابتی توسط خانم فرستاده بود که من هر قدر تفحص کردم نفهمیدم کتاب ایشان چه بود، ممکن است این کتاب همان کتابی باشد که خانم نیراشرف فرستاده است. در هر حال اول پرسید پس از اینکه معلوم شد مال کی است آن را به صاحبش برسانید که من زیر دین نمانم.

۵۳۷

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

(۱) یک جلد کتاب تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس تألیف محمود محمود در احمدآباد هست. اگر این را شما خریده‌اید که متعلق بخود من است و اگر آن را جناب آقای عنایت فرستاده‌اند باید با عرض تشکر رد کنم، نظر خود را بنویسید که اگر باید رد کنم آن را دفعه دیگری که کامیون می‌آید. بفرستم.

(۲) چراغ دستی را که برای خریداری قوه الکتریک بردید، اگر قوه آن خریداری شده بفرستید

و دو قوه دیگر هم بفرستید. این قوه‌ای که شما فرستادید معلوم می‌شود خیلی مانده بود که چند روز بیشتر دوام نکرد.
(۳) دو عدد مداد هم لازم است یعنی مداد معمولی.

۵۳۸

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [؟] سه فقره کاغذت توسط حسن آقا و دکتر غلامحسین مصدق و میرحیدر رسید جواب آقای امینی و آقای دکتر صدیقی را می‌فرستم که بخوانی و بعد برای من پس بفرستی.

شما در خصوص اجاره اقدام نمائید. آقای شرافتیان هم که آمده است چنانچه لازم باشد او را هم در این کار دخالت بدهید که زودتر تمام شود. چون که از جواب آقای امینی هیچ بوی امید به مشامم نرسید البته تا شما مذاکرات خود را تمام کنید ممکن است جواب قطعی هم از ایشان برسد. راجع باین کار انتظار آمدن کامیون را نکشید نامه را بوسیله حسن مستخدم خانم بفرستید که کار معطل نشود.

قربانت پایا

[مجدداً]

غلام و ملک و حموش و سوسو نهار این جا بودند جایب بسیار خالی بود.

۵۳۹

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [؟] خانم و لیلی آمدند و جای تو بسیار خالی است. از آمدن بانو هم بسیار خوشوقت شدم. راجع به وثیقه مال الاجاره املاک موقوفه همینقدر می‌نویسم که قیمت آن نمی‌بایست از ۱۵۰ هزار تومان کمتر باشد چونکه میزان مال الاجاره هم نقداً جنساً به همین مبلغ بالغ می‌شود. ضامن هم که می‌دهد بسیار خوب است و عمل اجاره از روی کمال اطمینان خاتمه پیدا خواهد کرد.

نامه‌ای از فرانسه رسیده که از من تقاضای کرده‌اند اسم خود را به طفل جدیدالولاده‌ای بدهم. جوابی که بسیار خوب و از روی کمال محبت تنظیم شود تهیه کنید که امضاء کرده بفرستم.

قربانت پایا

[مجدداً]

اقساط مال الاجاره باید طوری معین شود که نقدی آن تا سرخرج پرداخته شده باشد که اگر نخواست

مال الاجاره را بدهد من فقط از مستأجرین همان مال الاجاره قبلی را طلبکار باشم. این‌ها نظریاتی است که اظهار می‌کنم البته خودتان هر طور صلاح می‌دانید تمام کنید و بعد به من اطلاع بدهید.

۵۴۰

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [؟] پاسخی که باظهارات من داده‌اند و فرستادید دیدم. چون در روزنامه خواندم که آقای لطفی خاطرات خود را در زندان سلطنت آباد نوشته و اکنون بطبع رسیده است یک نسخه از آن برایم بفرست. از اینکه کار اجاره‌نامه املاک موقوفه پایان یافت خوشوقتم. من هیچ نمی‌خواهم تو را ناراحت کنم در این صورت چون کار مهمی نیست روز جمعه بی‌جهت به خود زحمت نده هفته بعد اگر کاری بود یک روز خواهی آمد.

قربانت پایا

۵۴۱

وکالت‌نامه دکتر مصدق به آقای نصرت‌الله امینی

جناب آقای نصرت‌الله امینی وکیل محترم دادگستری از طرف این جانب دکتر محمد مصدق وکالت دارند اجاره‌نامه‌هایی که مربوط است به مستغلات موقوفه بیمارستان نجمیه و مستغلاتی که مال الاجاره‌ی آنها بخود این جانب می‌رسد و طبق حکم دادگاه و طبق اجاره‌نامه‌های قبلی که بامضای خود این جانب رسیده است تنظیم می‌شود امضا فرمایند و یک نسخه از اجاره‌نامه قبوض رسمی مال الاجاره را دریافت نمایند. متولی موقوفات بیمارستان نجمیه.

[امضاء] دکتر محمد مصدق

۵۴۲

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

راجع به کارت جناب آقای شمشیری اگر جناب آقای دکتر صدیقی از روی اطلاع چنین فرموده‌اند البته صحیح است ولی اگر اینطور حدس زده‌اند خوب است شما از آقای امینی هم پرسید چنانچه نظر ایشان هم همین بود آن وقت منتظر شویم تا جواب نامه این جانب برسد.

۵۴۳

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

از جناب آقای مهندس بازرگان نامه‌ای نرسید. چنانچه مقصود نامه‌ایست که از مشهد به این

جانب نوشته‌اند جواب آن را نوشته می‌فرستم که خدمت جناب معزیه الیه ارسال شود. میله و حلقه‌های آن هم رسید.

۵۴۴

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

۹ اسفندماه

قربان احمد عزیزم [؟] کاغذ شما رسید، راجع به کار بیمارستان همانطور که نوشته‌اید رسیدگی خواهد شد. غلام تعهد کرد که این کار را انجام دهد و مرا متعهد کرد که هیچ‌گونه دخالتی در کار او نکنم و ببینم چه خواهد کرد. بنابراین خوب است که هیچ یک از ما دخالت نکنیم و او به مسئولیت خود عمل کند.

راجع به لباس دانش‌آموزان عباس‌آباد نوشتم که آقامهدی وجه آن را بدهد. اگر لباس باید خریداری شود عده دانش‌آموزان را معلوم کنید و دستور بدهید آقامهدی یا مشهدی محمود این کار را بکنند والا وجه را به هرکس که مورد اطمینان است و سوءاستفاده نخواهد کرد بدهید که خودش در این کار اقدام کند. بنظر من اگر لباس خریداری شود بهتر است.

برای لباس مستخدمین محلی قبل از حرکت آقای شرافتیان به مشهد نوشته بودم تهیه کنند که آقای شرافتیان نوشته بود اقدام می‌کنم. شما از آقامهدی سؤال کنید در این باب اقدامی کرده‌اند یا نه [؟]

چنانچه آقای شرافتیان به این زودی از مشهد نیاید، چون موقع می‌گذرد باشد شخص دیگری این کار را بکند.

۵۴۵

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم

من به زندگی خود امیدوار نیستم، نمی‌دانم چه می‌شود که این فکر در من تقویت می‌شود. راجع به خانه‌ها، محلی که در خیابان فردوسی است چون ساختمان جدید نیست اگر ارزان تمام شود از همه بهتر است. در حال این روزهای آخر عمر من کاری بکنید که من به آرزویی که دارم برسم و آن این است [:]

ملکی خریداری کنم وقف بیمارستان کنم و منافع آن مادام‌العمر حق خدیجه باشد. این دختر که در زندگی نتوانست کاری بکند شاید طوری پیش آید که برای این کار موفق شود و اجر اخروی ببرد.

قربانت پایا

۵۴۶

نامه دکتر مصدق به مهندس احمد مصدق

قربان احمد عزیزم [!؛] با نظر شما نتوانستم موافقت کنم، من که در عمر برای خودم سوءاستفاده نکردم چه لزوم دارد که برای یک مؤسسه خیریه مرتکب چنین عملی بشوم. نیت این شخص محترم این بوده که خودش اداره کند و از قانون اطلاعی نداشته، من هم نمی‌توانم کاری برخلاف وقفنامه بکنم. پس بهتر این است که کلیه مخارجی که ایشان کرده‌اند بپردازم و کاری برخلاف میل یک نفر که به من اعتماد دارد نکرده باشم شما هرچه زودتر هر دو نامه را بفرستید. یک نامه دیگری هم بطور خصوصی برای جناب آقای دکتر صدیقی نوشته‌ام و در جوف همین پاکت است آن را هم بخوانید سر پاکت را بچسبانید و بفرستید.

قربانت پایا

[مجدداً]

راجع به صندلی گفتم عیناً همانطور بسازند.

۵۴۷

تلگراف دکتر مصدق

توسط جناب آقای صدرائی اشکوری واعظ شهیر
حضرات آقایان محترم امضاءکنندگان تلگراف و وصول تلگراف موجب تشکر و امتنان گردید
از خداوند برای همگی توفیق می‌طلبم.

دکتر محمد مصدق

۵۴۸

نامه دکتر مصدق راجع به درخواست ملاقات خبرنگار هندی

راجع به خبرنگار هندی بگوئید چون دو مرتبه اتفاق افتاد که دو نفر خبرنگار آمدند و بعد رفتند مطالبی خودشان جعل کردند و در روزنامه منتشر کردند و اسباب زحمت مرا فراهم نمودند از آن به بعد تصمیم گرفتم کسی را نپذیرم که بگذارند راحت در همین جا زندگی کنم. این است اگر مطالبی دارند در دو نسخه به فارسی بنویسند بفرستند و من جواب عرض می‌کنم البته در دو نسخه که یکی نزد من ضبط شود. چنانچه سؤال ایشان فقط مربوط به تاریخ ایران است باید از کسی که در این باب تخصص دارد سؤال کنند.

۵۴۹

جواب دکتر مصدق به مرقومه خانم پروانه اسکندری (فروهر)

عرض می‌شود

بسیار متأسفم که نتوانستم جواب مرقومه محترمه را زودتر و به موقع تقدیم کنم [۰]. اوراق مرحمتی را به دقت خواندم و عرض می‌کنم بسیار خوب تنظیم شد و تبریکات خود را بنویسند محترم آن عرض می‌کنم و اما اینکه نظر بنده را در انتشار آن خواسته‌اید باید عرض کنم با وضعیت فعلی صلاح درانتشار نیست بعدها می‌توانید هر وقت بخواهید موفق شوید [۰]. در خاتمه ارادت خود را تجدید می‌کنم و سلام و وجود محترم را خواهانم

دکتر محمد مصدق

۵۵۰

یادداشت دکتر مصدق راجع به شهید سید حسین فاطمی

دکتر فاطمی اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده، باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود، سپاسگزاری کرد و آن کس شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد و عمده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه آن را به اتفاق آراء تصویب نمودند رحمة الله علیه که در تمام مدت همکاری با این جانب حتی یک ترک اولی هم از آن بزرگوار دیده نشد.

دکتر محمد مصدق

۵۵۱

وصیت‌نامه دکتر محمد مصدق

۱ - وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند دفن نمایند.

۲ - بدون سند رسمی یا نوشته به خط و امضای خود به کسی مدیون نیستم.

۳ - نظر به اینکه طبق اسناد رسمی ثبت شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ طهران منافع دو سال از خانه‌ها و مستغلاتی که به فرزندان خود بخشیده‌ام پس از مرگ به این جانب دارد به شرح

ذیل

الف - منافع خانه واقع در کوچه ازهری ملک خانم ضیاء اشرف بیات مصدق سند شماره

۴۲۱۵۶ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

ب - منافع چهار دانگ از خانه‌هایی که در آن سکونت داشتیم ملک آقای مهندس احمد مصدق سند شماره ۴۲۱۵۷ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

ج - منافع خانه مسکونی همسر عزیزم ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره ۴۲۱۵۸ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

ح - منافع عمارت دو اشکوبه و دو گاراژ ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره ۴۲۱۵۹ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ که در سال به یکصد و بیست هزار ریال (دوازده هزار تومان قطع شده)

د - مستغلات واقع در خیابان ناصرخسرو ملک بانو منصوره متین‌دفتری سند شماره ۴۲۱۶۰ / ۲۹ اسفند ۱۳۲۹

از بابت منافع سال اول مبلغی که در صورت جداگانه به خط این جانب تنظیم شده به اشخاص مفصله در آن صورت پردازند و باقی ماند برای نماز و روزه و حج این جانب بکار برند و از عوائد سال دوم قطعه زمینی برای باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران مناسب باشد با نظر نماینده آقایان مزبور خریداری شود و چنانچه آقایان دانشجویان قطعه زمینی در اختیار داشته باشند مبلغ مزبور را به نماینده و یا نمایندگان قانونی آقایان دانشجویان تحویل بدهند که آنها خود مبلغ مزبور را صرف تعمیر یا ساختمان جدید آن بنمایند چنانچه وصیت‌نامه دیگری جزو نوشتجات غارت شده یا در خانه و نزد دیگران بدست آید از درجه اعتبار ساقط است

احمدآباد ۲۰ آذرماه هزار و سیصد و چهل و چهار هجری شمسی دکتر محمد مصدق در ۱۴ اسفند ۱۳۴۴ که دفتر کمربینه نوشتجات خود را دیدم ملاحظه شد که طبق سند تنظیمی در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ طهران منافع خانه واقع در کوچه ازهری را به خانم ضیاء اشرف بیات مصدق بخشیده‌ام و طبق نوشته مورخ ۳ تیرماه ۱۳۳۸ به آقای مجید بیات وکالت داده‌ام دفتر اسناد رسمی را امضاء نماید بنابراین سایر این پرداخت وجه در دو سال بعد از حیاتم مربوط به میل و استطاعتی است که خانم ضیاء اشرف داشته باشد [۰] به طور خلاصه می‌تواند تمام یا قسمتی و یا هیچ پرداخت نکند

دکتر محمد مصدق

فهرست موضوعی نامه‌ها

اضمحلال استبداد و استقرار بساط عدل و داد ما ایرانیان را بین ملل متمدنه دنیا نه‌چنان مفتخر و سربلند نموده که شرح آن را بتوانم به عرض برسانم ۳۳/ به نایب‌الحکومه انزلی و رئیس نظمیّه آنجا حکم موکدی صادر فرمایید که برخلاف منافع دولت اقدامی نکنند ۳۵/ درخواست هیئت نمایندگی ایران تقدیمی به کنفرانس مقدماتی صلح پاریس ۳۶/ انسداد راه قفقاز ۳۸/ رفتن ساعد و هیئت بسرپرستی سیدضیاءالدین و سردار فاخر به بادکوبه ۳۸/ حال آتیه مملکت ما معلوم نیست ۳۹/ درخواست تعیین تکلیف در برابر پلیس جنوب ۳۹/ مأمورین اعزامی به فارس باید مطلع و صحیح‌العمل و متدین باشند ۳۹/ بنده هیچ مقصود و منظوری ندارم جز خدمت ۴۰/ انحلال قشون جنوب ۴۰/ عدم رضایت و اعتراض سفارت انگلیس به انتخاب آصف‌الملک و غضنفرالسلطنه ۴۱/ تعهدات آصف‌الملک، غضنفرالسلطنه و نورمحمدخان موافق صرفه دولت بود ۴۱/ قدرت بنده در فارس منحصر یک عده مختصر سرباز بدون تفنگ و فشنگ است ۴۱/ بنده هیچ اشتیاقی به حکومت فارس نداشتم به حکم تقدیر پیش آمد ۴۲/ تا این تاریخ از وظیفه دولتخواهی و وطن‌پرستی قصور نشده است ۴۲/ انتشار تلگراف انتصاب سیدضیاء در فارس باعث اغتشاش و انقلاب خواهد شد ۴۲/ در صورت لزوم انتشار دستور صادر شود که تلگراف خانه انتشار دهد ۴۲/ اعمال هیئت دولت کودتا و نیت آن را بر خلاف مصالح مملکت می‌دانم ۴۳/ هر کس برای حفظ مملکت و وطن خود دلائلی دارد که اقدامات خود را باید روی دلائل خود قائم نماید ۴۳/ دو تلگراف من به مقام ملوکانه بلاجواب مانده است ۴۳/ دستخط تلگرافی راجع به احضار چاکر زیارت شد ۴۴/ سیاست فارس تابع سیاست ایران و سیاست ایران مطیع سیاست یک جماعتی از اهل دنیا است [انگلستان] ولی سیاست ارادتمند مطیع وجدان خودم است ۴۴/ به خواست و رضای الهی شاکر و خوشوقت خواهیم بود ۴۵/ عمری بدون نتیجه در

این مملکت می‌گذرد ۴۵ / دولت ساویت روسیه برای پاره‌ای ملاحظات نظامی و اقتصادی با عناوین مختلفی و بدون داشتن مدرک مشروع درصدد تصرف راه آهن ماکو می‌باشد ۴۷ / شوق و شغفی به خدمت این قسمت از وطن عزیز [آذربایجان] داشتم ۴۸ / از هیچ مشکلی قصور ننموده با وسایل ناقصی که بوده بدون هیچ غفلت موفقیت حاصل نموده ۴۹ / وجود خرابی در کارهای آذربایجان ۴۹ / امور آذربایجان با این اهمیت موقع ممکن نیست به طبیعت واگذار شود ۴۹ / با اعتراف به ناتوانی که از عدم مساعدت طبیعت [اشاره به کارشکنی‌های رضاخان و وزیر جنگ] حاصل شده استدعای معافیت از این مأموریت می‌نماید ۴۹ / نمی‌دانم به مملکت یا به حضرت اشرف تبریک عرض کنم ۴۹ / عدم مساعدت طبیعت و عدم مساعدت اولیای مرکز چهار دفعه بنده را به استعفا واداشت ۵۰ / با نبودن وسیله از بنده خدمتی ساخته نیست ۵۰ / به شرف و انسانیت قسم از این عرض مقصودی غیر از خیر مملکت ندارم ۵۰ / بنده را تا زمانی که قوه و پول نیست از مسؤولیت امنیت آذربایجان خلاص فرمایید ۵۱ / بنده معتقد به توصیه نیستم ۵۲ / بدخواهانی که از دولت خواهی من صدمه دیده‌اند پاره‌ای مفتریات غرض‌آمیز علیه این جانب انتشار داده‌اند ۵۲ / با کمک فکری و معاضدت بعضی از آقایان حجج اسلام ادام‌الله بقائهم کتابی بعنوان وصیت و مدارک حقوق اسلامی به زبان فرانسه تالیف کرده و مزایای قوانین شریعت غرای احمدی را مطابق مذهب جعفری به سایر ادیان با فلسفه عالی در اروپا انتشار داده‌ام ۵۳ / کشمکشهای قلمی جز خلط مبحث و مغالطه و غرض‌رانی نتیجه دیگر ندارد ۵۳ / اعلام تمایل به نخست‌وزیری مستوفی‌الممالک ۵۸ / مترصدم مذاکرات در نفع مملکت و جامعه مقدسه روحانیت خاتمه یابد ۶۰ / خدا را به شهادت می‌طلبم فقط نظریاتم خیرخواهانه است و پس ۶۰ / آنچه مسلم است حاج محمدعلی فقط برای عدم مداخله در انتخابات تبعید گردیده است ۶۱ / احضار فوری حاج محمدعلی به جامعه ثابت می‌کند انتخابات بکلی آزاد است ۶۱ / احضار حاج محمدعلی یک دلیل قطعی آزادی است ۶۱ / اختصاص اضافه حقوق دوره نمایندگی مجلس ششم جهت تأسیس مدرسه در سولقان ۶۱ / اعتراض به متخلف برای رفتن مستخدمین امریکایی نیست بلکه از این نظر است که دیگران درس عبرت بگیرند ۶۲ / چیزی که مرا به ملاقات شما سوق داد همان اجرای قانون اساسی بود ۶۳ / ندادن جواز ورود آرد به تهران موجب قاچاق و فساد اخلاق است ۶۳ / عدم امتناع از پذیرش پیشنهاد نخست‌وزیری برای این بود که به آن کسی که همیشه فدائی وطن بوده است نسبت محافظه‌کاری و خالی کردن شانه از کار ندهند ۶۴ / اینجانب تا نظری که صرفاً در نفع مملکت تشخیص داده شده تأمین نشود هیچ کاری قبول نمی‌کند ۶۵ / موکلین فدوی صاحب این نظر نبوده‌اند که برای مدت کوتاهی کار قبول کنم و موقعی که دفاع از وطن فریضه این بنده و هر یک از نمایندگان است کرسی خود را بلا تصدی گذارد ۶۶ / توقیف روزنامه‌ها از طرف دولت یا فرمانداری نظامی ۶۶ / تهیه طرح برای رفع نواقص قوانین مطبوعاتی ۶۶ / بیرون آمدن مطبوعات از تزلزل فعلی ۶۷ /

جرایم مطبوعاتی با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود ۶۷ / متأسفانه در این مملکت فروغی و امثالش اول ممضی این قبیل نوشتجات می‌شوند تا بعد مجلس تصویب نماید ۶۸ / مخالفت من با مرحوم فروغی در دو موضوع بود ۶۹ / فروغی حاضر نشد در مجلس گفته‌های مرا تکذیب کند و لطمه‌ای که به حیثیات او وارد شده بود جبران نماید ۶۹ / طرح مقدماتی قانون مطبوعات را باین امید تهیه کردم که کار مطبوعات به جریان قوانین عادی و دادگاههای عمومی خواهد افتاد و زمینه الغای حکومت نظامی فراهم و خدمتی به اصول آزادی خواهد شد ۷۲ / ارباب جرائد برای گذراندن چنین قانونی لازم بود اختلافات را در مقابل مخاطراتی که هستی آنان را تهدید می‌کند کنار بگذراند ۷۲ / رادیو مسکو اسناداتی باین‌جانب داد که استحقاق آن را ندارم ۷۲ / موکلین من اصولاً با هر گونه امتیازی که راجع به منابع ثروت مملکت به داوطلبان غیر ایرانی در قلمروی ایران داده شود خوش‌بین نیستند ۷۲ / آقای سفیر [شوروی]! تصدیق بفرمایید که قلوب ملت ایران از معادن نفت گرانتر و کانی است که در آن می‌توانید استخراج محبت نمایید ۷۴ / آقای سفیر! در تمام دوره زندگی مصلحت ایران را هر چیز نتوانستم عوض کنم و هیچ عاملی نتوانسته است مرا از صراط مستقیم منحرف کند ۷۴ / من ایران را دوست می‌دارم همان طوری که شما خاک اتحاد شوروی را دوست دارید ۷۴ / وظیفه هر شخص وطن‌پرست این است که در این قبیل موارد به ضرر کشور راضی نشود ۷۶ / دولت حق اخذ هیچ گونه تصمیم که جزئاً یا کلاً، مستقیماً یا غیرمستقیم دخالت یک یا چند دولت خارجی را در امور داخلی ایران تصریحاً یا تلویحاً ایجاب نماید ندارد ۷۸ / آقای حکیمی فوراً به آقای تقی‌زاده تلگراف فرمایند دری را که بسته‌اند بازکنند و از خرشیطان پائین بیایند ۷۹ / صلاح نیست که دولت انگلیس و امریکا به نام سه دولت با ما داخل مذاکره شوند و در سایر نقاط ایران هم که هیچ وقت اختلافی نداشتیم ایجاد اختلاف کنند ۸۰ / اگر دولت نتواند قضیه آذربایجان را به طور مستقیم حل کند تنها امیدی که برای ما هست همان طرح در سازمان ملل متفق است ۸۱ / تا از طریق مذاکرات مأیوس نشویم مراجعه به سازمان ملل متفق را برخلاف صلاح مملکت می‌دانم ۸۱ / وجود رقابت آزاد عامل مؤثر برای اعاده اوضاع به حال عادی و استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا و بالتیجه تعدیل قیمت‌ها و تقلیل هزینه زندگی می‌باشد و مجالی برای سوءاستفاده و احتکار و گران‌فروشی باقی نمی‌گذارد ۸۵ / نظر به وضع فعلی... فعلاً عقیده به آزادی عمل بازرگانان ندارم ۸۵ / تا موقع اعاده اوضاع اقتصادی به حال عادی و امکان استقرار موازنه بین عرضه و تقاضا دولت مکلف است برای جلوگیری از سوءاستفاده بازرگانان امر ورود و فروش این اجناس را تحت نظارت خود نگاه دارد ۸۶ / تصور نمی‌فرمایید از لحاظ رفاه جامعه و ترقی کشور اگر این فعالیت‌ها و سرمایه‌های بازرگانان در امور مربوط به تولید کالا و اصلاحات کشاورزی و ازدیاد محصولات داخلی و تهیه کار برای بی‌کاران و افزایش و بهبود صادرات به کار افتد بهتر از خرید قماش از سهمیه دولت و فروش باسود گراف به مصرف‌کنندگان بی‌بضاعت

خواهد بود؟ ۸۸/ جامعه در تشخیص کسانی که در فکر مصالح عمومی یا منافع شخصی هستند عادلانه قضاوت می‌کند و فریب مدعیان خدمتگذاری خود را نمی‌خورد ۹۰/ مردم می‌گویند هنگامی که دولت در بعضی حوزه‌ها عملاً بازرسی ندارد و در سایر حوزه‌ها هم خود دولت بعنوان حزب دخالت کند انتخابات آزاد نخواهد بود ۹۰/ مجلس که با این طرز تشکیل شود مظهر افکار عمومی ایران نیست و در مقابل بیگانگان برای دولت تکیه‌گاه نخواهد بود ۹۰/ ملت ایران خواهان دوستی با همسایگان است ۹۱/ هیچ کس منکر مضار ادامه فترت و مخالف لزوم تشکیل مجلس نیست، بشرط اینکه مجلس محصول آراء طبیعی مردم و مبین تمایلات ملت ایران باشد ۹۱/ باید در اجرای قانون انتخابات تأخیر شود تا مقتضیات انتخابات آزاد فراهم گردد ۹۱/ در مملکت مشروطه باید احزاب عرض اندام کنند و انتخابات را بدست گیرند بشرط اینکه متکی به نیروی ملی و معنوی باشند ۹۱/ مقایسه ایران با ممالک انگلوساکسون قیاس مع الفارق است ۹۱/ در این کشور سالها وقت لازم است تا قوانین مانند دیگر کشورها مورد احترام واقع شود ۹۲/ در انگلستان سابقه ندارد که حزب مخلوق دولت باشد ۹۲/ برای نجات ملل کوچک از چنین بدبختی هیچ نیروی مؤثرتر از نیروی معنوی نیست ۹۲/ بزرگترین حربه‌ای که امروز ما را در مقابل تجاوزات و مداخلات می‌تواند حفظ کند تکیه به قانون اساسی کشور و افکار عمومی است ۹۲/ صلاح مملکت در این است که نمایندگان مجلس با خود مردم سر و کار پیدا کنند و فرمان وکالت را از دست مردم بگیرند ۹۲/ در دوره استبداد سلاطین به طبقات روحانیون و رجال احترام می‌نمودند ۹۳/ از اواخر عهد ناصری و مظفری بخاطر ندارند که فردی از این طبقات بحکم دولت تبعید و یا زندانی شوند... ۹۳/ در دوره مشروطیت هر کس خواست در صلاح مملکت حرفی بزند چون حکومت ملی نارس بود دولتهای متکی به سیاست خارجی او را زندانی و یا تبعید نمودند ۹۳/ از نظر حفظ اصول و احترام به قانون مقتضی است که بتوقیف غیرقانونی و یا تصمیم به تبعید سیدضیاءالدین و تمام اشخاصی که بدون ذکر علت تبعید و یا زندانی شده خاتمه داده شود ۹۴/ هر قدر مرحوم مدرس اعتراض نمود و گفت آقای مستوفی الممالک استعفا داده و قبل از هر کار باید رئیس انتخاب شود مورد توجه واقع نشد ۹۶/ تدین برای چند روز نیابت ریاست [مجلس] و وعده‌های دیگر قرآن را زیر پا گذاشته و برخلاف مصالح مملکت عمل نمودند ۹۶/ این است پادشاه اسلام که در دست اوست بیرق ایران ۹۶/ بست حرمت شرعی ندارد عدم اجرای قانون و عدالت است که امامزاده و مسجد و بعضی از نقاط دیگر را... بست قرار می‌دهند ۹۶/ من به احمدشاه قسم یاد کرده‌ام و از او نسبت به مملکت خلافتی ندیده‌ام و این را هم می‌دانم که یکی از جهات خلع او از سلطنت عدم موافقت با قرارداد بوده ۹۷/ آرمیتازاسمیت مستشار انگلیسی در طبق قرار داد [۱۹۱۹] وزارت مالیه بود و من که با قرار داد مخالف بودم چه طور ممکن بود با ایشان همکاری می‌نمایم؟ ۹۷/ هیئت حاکمه را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: منفی - مثبت و خادم صدیق ۹۸/ من از وکالت پنجم و ششم

تقنینیه در بعضی از نطق‌های خود خطر کشته شدن را حس کرده‌ام ۹۹ / درد بسیار است و طیب نیست ۱۰۱ / ایرانی به دنیا آمده و ایرانی از دنیا می‌روم و به هیچ یک از سیاست‌ها بستگی ندارم ۱۰۲ / یکی از مزایای دموکراسی آن است که مردم بتوانند به طور آزاد اظهار عقیده کنند ۱۰۲ / ملت ایران را بواسطه روش نامطلوبی که اتخاذ کرده ملت زنده نمی‌دانند ۱۰۲ / امیدوارم نمایندگان قرارداد باطل دوره دیکتاتوری را با تصویب لایحه دولت ساعد برای خاطر بعضی چیزها تنفیذ نمایند ۱۰۴ / عده‌ای در نتیجه وقایع اخیر و حبس و محکومیت [از ترس] قلم را شکسته‌اند ۱۰۵ / نام شما ای نمایندگان مدافع وطن در تاریخ ایران جاودان است ۱۰۵ / قوانین اساسی برای نسلهای متوالی نوشته می‌شود ۱۰۵ / دادن اختیارات وسیع به پادشاه، در ایامی که پادشاه عصر فاقد فضیلت اخلاقی باشد زیان و محدودیت متوجه آزادی و مشروعیت می‌کند ۱۰۵ / ملت ایران باهوش‌تر از این است که حق را از باطل تمیز ندهد ۱۰۶ / از تنظیم ماده ۱۶ قانون انتخابات مقصود دولت این بود غیر از اشخاصی که دولت در نظر داشت کسی انتخاب نشود ۱۰۶ / در هیچ کجا معمول نیست یک نفر بتواند بیش از یک مرتبه رای بدهد ۱۰۷ / آن چیزی که در اعمال وکیل بیشتر مؤثر است خوبی وکیل نیست بلکه طرز انتخاب اوست ۱۰۷ / اگر مردم افراد بدی را هم از روی اغفال انتخاب کنند چون خود را خادم و محتاج به مردم می‌دانند به مردم خدمت می‌کنند ۱۰۷ / فساد انتخابات در شهرستانها به حدی رسیده که مردم از فشار مأمورین و زجر و ضرب و جرح دسته‌دسته به تهران مهاجرت می‌کنند ۱۰۹ / آیا شروع به اخذ آراء در چنین وضعی منظور آزادی انتخابات و مشروعیت را تأمین می‌کند؟ ۱۱۲ / اگر فقر و بیچارگی مردم نتیجه اعمال هیئت‌های حاکمه نیست، خوب است بفرمائید علت بدبختی‌های این جامعه چیست؟ ۱۱۲ / هر چه معمول مدرسه باشد باید عمل کنی البته به یک دانش‌آموز نمی‌شود چیزی داد که دیگری از داشتن آن محروم باشد ۱۱۳ / مکاتبه سبب می‌شود که معلومات ایرانی را فراموش نکنی ۱۱۳ / این جانب را از تهران به احمدآباد آورده‌اند و زیرنظر مأمورین کارآگاهی واقع شده‌ام ۱۱۴ / تبعیت از قانون ۱۱۴ / بدون ذکر هیچ دلیل فرمانداری نظامی این جانب را از شهر تبعید کردند ۱۱۵ / حکومت نظامی تعطیل عملی مشروعیت است ۱۱۵ / در این مملکت کافی است که دولت بهانه‌ای بدست آورد و به واسطه برقراری حکومت نظامی ماه‌ها و سالها مشروعیت را تعطیل کند ۱۱۵ / همیشه و در هر حال، برای خدمت به ملت و فداکاری در راه آزادی حاضر بوده و هستم ۱۱۵ / نجات کشور ما منحصرأ در ایمان به دموکراسی حقیقی و ایجاد حکومت واقعی مردم بر مردم است ۱۱۵ / ایجاد حکومت دموکراسی یک راه بیش ندارد و آن انتخابات آزاد است ۱۱۶ / نماینده مردم هر که باشد بهتر از نماینده دولت است ۱۱۶ / انتخابات باید برطبق قانون و در محیطی آزاد صورت گیرد ۱۱۶ / منظور آزادی خواهان ایجاد حکومت مردم بر مردم بدون بروز حوادث نامطلوب و از راه قانون و صلح و سلم است ۱۱۷ / چاره این بیچارگی ما فقط ایجاد حکومت دموکراسی است ۱۱۷ / قوای حاکمه ایران

از گذشته عبرت بگیرد ۱۱۷/ اشخاصی که داعیه خدمت به مملکت دارند باید طبعاً برای همه گونه فداکاری و از خود گذشتگی حاضر باشند ۱۱۸/ محکومیتی که باید ملیون و آزادی خواهان از آن بپراسند، محکومیت در محکمه افکار عمومی است ۱۱۸/ ملت رشید آنهایی هستند که قادر هستند رأی خود را از دست دزدان ناموس ملی حفظ کنند ۱۲۰/ چه باعث شده که می‌خواهند از نظارت جبهه ملی که در صلاح جامعه و بعضی از آن انجمن است جلوگیری فرمایند ۱۲۱/ جبهه ملی دیگر در این انتخابات سرتاپا مخدوش دخالت نخواهد کرد ۱۲۱/ آنکه آراء را می‌دزدد خیانت‌کار نیست؟ ۱۲۲/ بطلان انتخابات لواسان از شدت و وضوح محتاج به دلیل نبود ۱۲۳/ املاک مرغوب خالصه را صاحبان و سایل یعنی ملاک بزرگ و ممولین تملیک خواهند نمود ۱۲۵/ لایحه فروش املاک خالصه بفتح عده‌ای از ملاک و اشخاص متمول تنظیم شده ۱۲۷/ ترک فعل هم یکی از اقسام مبارزه است ۱۲۷/ اگر مردمی باشند که انجام وظیفه را منحصر به ریختن رأی در صندوق نکنند، با پشتیبانی مردم می‌روم و انجام وظیفه می‌کنم ۱۲۷/ خوشوقتم از اینکه وظیفه خود را خوب انجام می‌دهید ۱۲۹/ قرارداد الحاقی به هیچ وجه استیفای حقوق ملت ایران را نمی‌کند ۱۳۰/ قرار داد ۱۹۳۳ در دوران دیکتاتوری و علیرغم میل و مصلحت ملت ایران به زور و فشار تحمیل شده است ۱۳۶/ بودن شرکت نفت در این مملکت حیات ملی و استقلال کشور را به باد می‌دهد ۱۳۶/ به ملی بودن صنعت نفت و جنبه اخلاقی آن بیش از جنبه اقتصادی معتقدم ۱۳۶/ عایدات نفت در راهی خرج شده که نفع آن عاید بیگانگان شده و یا اشخاصی از آن استفاده برده‌اند که دست نشانده کمپانی و دشمن ملت ایران بوده‌اند ۱۳۶/ سطح اخلاقی امروز ما نسبت به سطح اخلاقی سال ۱۹۳۳ بسیار تنزل کرده است ۱۳۶/ می‌خواهند بوسیله قرار داد الحاقی قرار داد باطل دوره دیکتاتوری و بالنتیجه تمدید مدت را تنفیذ کنند ۱۴۰/ علت پیشرفت کمونیسم تنها مرام نیست ۱۴۰/ تا تکلیف نفت در مجلس معلوم نشود بنده امید به بهبودی ندارم ۱۴۱/ شرکت [کمپانی نفت] در هر کجا نماینده دارد خصوصاً در سازمان برنامه ۱۴۲/ الغاء قوانین ظالمانه مطبوعات مزده بزرگی بود ۱۴۴/ تازه احزاب ما می‌خواهند بوظایف حزبی خود آشنا شوند و جای بسی امیدواری است ۱۴۴/ بیدار شدن افکار عمومی ۱۴۷/ رهایی از تسلط اقتصادی بیگانگان ۱۴۷/ بخواست خداوند صنایع نفت در سراسر کشور ملی خواهد شد ۱۴۷/ تعدیات و تظلم شرکت نفت سبب پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت گردید ۱۵۰/ در منزل من اشیاء تجملی منحصر است به دوربین که در سال ۱۳۱۴ خریده‌ام ۱۵۲/ رضایت به بهره‌برداری شرکت اجنبی از معادن نفت ما ننگ است ۱۵۲/ ضرب پنج قرانی نقره در ضرابخانه پتروگراد و بیرمنگام برای رفع نیازمندیهای متفقین در جنگ اول ۱۵۳/ در جنگ اول از این جهت که دول بیگانه پول خود را می‌آوردند و در ایران خرج می‌کردند لیره طلا از پنج تومان به دو تومان و فرانک سوییس از دو قران به یک قران تنزل کرد ۱۵۳/ از شهریور ۱۳۲۰ تاکنون ارزش پول چهار مرتبه تنزل نموده است ۱۵۴/ رژیم دیکتاتوری

اجازه نداده بود مردمانی که بالقوه می‌توانستند رجال شوند عرض اندام کنند ۱۵۵ / متفقین بوسیله یکی از مزدوران خویش قیمت لیره را از ۶۷ ریال قبل از جنگ به ۱۲۸ ریال هر لیره ترقی دادند ۱۵۵ / میزان اسکناس در جریان در ۱۳۲۰ معادل ۱۸۰ میلیون تومان و در آخرین سال جنگ جهانی به میزان ۷۰۰ میلیون تجاوز نموده بود ۱۵۵ / افزایش میزان نشر اسکناس موجب افزایش قیمت‌ها به همان نسبت گردیده است ۱۵۶ / در درجه اول متفقین از افزایش میزان اسکناس استفاده برده است ۱۵۶ / با لایحه نشر اسکناس مخالفم ۱۵۷ / برای جلوگیری از دسایس بیگانگان نظم و آرامش را جداً مراقبت نمائید ۱۶۱ / بنده از ایام توقف در زندان بیرجند قصد و نیتم اصلاح زندان بوده است ۱۶۲ / حفظ نظم و آرامش در نواحی نفت‌خیز ایران لازم و ضروری است ۱۶۳ / سرآمد هر اصلاحی در این مملکت حضور نمایندگان حقیقی مردم در مجلس است ۱۶۴ / بکرات دولت‌های خوب تصمیمی در مصالح مملکت گرفته‌اند، چون سیاست خارجی نخواستہ اجرا شود دولت را از کار انداخته‌اند ۱۶۴ / در جراید ایران آنچه راجع به اینجانب نگاشته می‌شود، هرچه نوشته باشند نباید مورد اعتراض و تعرض قرار گیرد ۱۶۵ / تشدید و استحکام دوستی ایران و انگلستان نه فقط در خیر و صلاح این دو کشور بلکه خیر و صلاح کلیه دول دموکراسی و بفتح صلح عمومی جهان خواهد بود ۱۶۶ / دولت ایران می‌خواهد از عواید نفت بنیه اقتصادی کشور را تقویت و موجبات آسایش عمومی را فراهم سازد ۱۶۶ / از ابراز نگرانی دولت امریکا چنین استنباط می‌شود که مطلب کاملاً بر آن حضرت [ترومن] روشن نیست ۱۶۸ / طبقات زحمتکش ایران که در تمام مدت جنگ برای متفقین جان‌کنده بودند با گرانی طاقت‌فرسا و بی‌کاری دست بگریبان شد ۱۶۹ / کمپانی نفت سعی می‌کرد با محدود کردن درآمد ما را همیشه در فشار مالی نگهدارد ۱۶۹ / آیا ملت ایران جز ملی کردن صنایع نفت چاره دیگری داشته است؟ ۱۶۹ / قانون ملی کردن صنعت نفت مصادره و تصاحب اموال را تجویز نکرده بلکه برعکس تأدیه غرامات و خسارات احتمالی را پیش‌بینی و تأمین نموده است ۱۶۹ / امور شرکت سابق نفت انگلیس و ایران از امور داخلی کشور است ۱۷۰ / امور شرکت سابق نفت انگلیس و ایران از امور داخلی کشور است ۱۷۳ / از احساسات بی‌آلایش و پاک آیه‌الله نمی‌دانم چگونه سپاسگزاری کنم ۱۷۳ / دولت ایران در حدود قانون ملی شدن صنعت نفت و قانون طرز اجرای آن می‌تواند با نمایندگان شرکت وارد مذاکره شود ۱۷۴ / با کمال تأسف نمایندگان شرکت سابق پیشنهادهایی برخلاف قوانین ملی شدن صنعت نفت دادند ۱۷۴ / ملت ایران برای انجام مقصود، خود را برای هرگونه محرومیت آماده کرده است ۱۷۵ / بین ملتین ایران و امریکا همواره روابط دوستانه برقرار بوده ۱۷۵ / یقین دارم دولت‌های آزاد جهان و خصوصاً دولت امریکا از معاضدت به آمال ملی ایران خودداری نخواهند کرد ۱۷۵ / نمی‌دانم از اظهار لطف و مرحمت حضرت آیه‌الله چگونه تشکر کنم ۱۷۶ / بعلت عدم مراقبت سرلشکر بقائی وقایع ناگوار و اسف‌آور ۲۳ تیر ماه بوقوع پیوسته ۱۸۲ / امید است همواره برکات انفاس و افاضات عالیہ

روحانیت ممد اصلاحات و ترقیات کامل ملک و ملت باشد ۱۸۳ / دولت و ملت ایران مجاهدات و مبارزات ملت دوست و نجیب و دولت محبوب مصر را با دیده تقدیر و تحسین می‌نگرد ۱۸۵ / امیدوارم خداوند توفیق انجام خدمتی را که روحانیون محترم و طبقات دیگر کشور به این جانب محول فرموده‌اند عنایت فرماید ۱۸۷ / اعلیحضرت به دولت امر دادند که حتی المقدور در ارسال اولتیماتوم به دولت انگلیس خودداری شود ۱۹۰ / اگر دولت انگلیس از رویه‌ای که تاکنون تعقیب کرده منصرف نشود مسئول هر خطری خواهد بود که متوجه ایران بشود ۱۹۱ / ملت ایران این مأموریت تاریخی و مهم شما را هرگز فراموش نخواهد کرد ۱۹۲ / تأییدات و اقدامات شجاعانه همیشه حضرت عالی [آیه‌الله کاشانی] اساس موفقیت ملت ایران در این مبارزه تاریخی بوده است ۱۹۴ / از توقف این جانب در واشنگتن در مسئله نفت ایران متأسفانه نتیجه‌ای حاصل نگردید ۱۹۵ / هیئت اعزامی انگلیس به طور ناگهانی تصمیم به ترک تهران گرفت ۱۹۶ / تردیدی باقی نماند که انگلیسها مایل به حل قضیه نبوده‌اند ۱۹۶ / نقشه انگلیسها این بوده و هست که با قطع کردن عواید نفت، ایران را دچار مضیقه مالی و بحران اقتصادی کرده دولت را مجبور به قبول نظریات خود بکنند ۱۹۶ / آقای هریمن این دفعه از وساطت امتناع کردند ۱۹۷ / دولت انگلیس حسن نیت دولت ایران را ضعف تلقی کرده و به تهدید پرداخت ۱۹۷ / به دولت وقت امریکا معلوم و هویدا گردید دولت انگلیس مایل به حل قضیه نیست ۱۹۷ / بهتر آن است [دولتهای غربی] استرضای ملل صاحبان معادن نفت را بعمل آورند تا عدم رضایتشان موجب تشنج صلح عمومی را فراهم نکند ۱۹۸ / در جنگ دوم، ملت ایران به امید وعده‌های آزادی و استقلال ملل و منشور اتلانتیک قربانی‌ها و فداکاریهایی متحمل گردید ۱۹۸ / مشارکت ایران با متفقین در جنگ دوم، مالیه و اقتصاد ایران را در هم ریخت ۱۹۸ / عمال کمپانی در طی این پنج شش سال با دسایس سیاسی ما را از کمک‌هایی که دولت امریکا حتی بدشمنان سابق خود کرده و می‌کنند و حتی از کمک‌های موسسات بین‌المللی محروم ساختند ۱۹۸ / از استاد انتخاباتی [فرمایشی] دوره نهم تقنینیه در شورای امنیت بفتح مملکت کاملاً استفاده شد ۲۰۰ / امیدوارم آن جمعیت به آرزوهای دینی خود رسیده و از ثمره اتحاد مسلمین و اعتلاء اسلام بهره‌مند باشند ۲۰۰ / با ارسال چک در کمک به آمال ملی پیشوا شده‌اید ۲۰۲ / در ممالک دموکراسی نیک و بد دولتها مخلوق افکار عمومی و مولود رفتار و کردار بزرگان و خردمندان ملتها است ۲۰۲ / همیشه پیشوایان و راهنمایان عامه بشر در معرض این قبیل حوادث بوده‌اند ۲۰۳ / مبارزات انتخاباتی صرفاً باید از راه نطق و خطابه و اعلام باشد ۲۰۵ / اگر باید روزی ملل اسلامی عظمت و سعادت را که دین مبین اسلام به آنها نوید داده دریابند لازم است در طلیعه آن رجالی کاردان و علاقمند به وحدت و یگانگی بوجود آیند ۲۰۶ / ارشادات و افاضات روحانیت همواره در راهبری ملت و مساعدت دولت در راه وصول به مقاصد صالحه ملی مؤثرترین عوامل می‌باشد ۲۰۷ / این بار نیز با لطف ایزد متعال خطر مرتفع

شده است ۲۰۷/ چون آرزوی بیگانگان این بود که یک فترت طولانی پیش آید، از کار کنار نرفتم ۲۰۹/ در انتخابات متأسفانه بانهایت جدیتی که دولت بخرج داد آنطوری که انتظار داشت توفیق حاصل نکرد ۲۰۹/ دولت با قانون فعلی نمی‌توانست از اعمال خلاف قانون جلوگیری کند ۲۱۰/ مجلس بخوبی می‌تواند روی انتخابات مخدوش خط بطلان بکشد ۲۱۰/ مجلس غاصبین حقوق عمومی را طرد نماید ۲۱۰/ البته در تعیین وزیر فرهنگ تأمین نظر آن جناب خواهد شد ۲۱۳/ امیدوارم مسلمین شاهراه نجات را پیموده و به مقامی که شایسته پیروان قرآن است نائل شوند و به تمام آرزوهای ملی خود برسند ۲۱۵/ هیچ‌گونه اصلاحاتی ممکن نیست مگر اینکه متصدی مطلقاً در کار خود آزاد باشد ۲۱۶/ یکی از هدفهای اساسی سیاست خارجی دولت اینجانب همراهی و کمک به ممالکی است که برای حفظ استقلال و حق حاکمیت خود مجاهده می‌نمایند ۲۱۷/ هئیت نمایندگی ایران حداکثر مساعدتهای ممکنه را برای تحصیل استقلال و حاکمیت ممالک محروم افریقائی به عمل آورد ۲۱۷/ شیوه‌ها و تحریکات دنباله‌دار عمال بیگانه و ایادی آنها ۲۱۸/ به منظور حفظ امنیت کلیه نقاط کارگری و بنگاه‌ها و ادارات دولتی و جلوگیری از اعتصاب غیرقانونی و عصیان و تمرد و اخلال در نظم و آرامش در سراسر کشور، موادی به اینجانب پیشنهاد شد ۲۱۸/ لایحه قانون امنیت اجتماعی از نظر پیش‌آمد مسایلی بوده که بنابر مصالح و مقتضیات کشور دولت ناگزیر با آن مواجه می‌شده ۲۱۹/ پاره‌ای اصلاحات با منافع اشخاص زیادی که همیشه سد راه اصلاحات اساسی بوده‌اند اصطکاک پیدا می‌کند ۲۱۹/ البته نرمی و مدارا در موقع خود بسیار مستحسن و پسندیده است ولی در غیر موقع زیان‌آور خواهد بود ۲۱۹ و ۲۲۰/ برای رسیدگی به جریان اخیر قم هئیتی به محل عزیمت خواهند نمود ۲۲۲/ روزنامه‌ها را به مناسبت درج مطالب و حمله به شخص من تحت تعقیب قرار ندهید ۲۲۳/ سلامت و سعادت جنابعالی و عموم مسلمین را از خداوند مسئلت می‌نمایم ۲۲۴/ این دولت در نتیجه حسن ظن قاطبه افراد ملت موجودیت یافته ۲۲۶/ سرتیپ افشارطوس در راه ایفای وظیفه و خدمت به وطن و مبارزه با توطئه‌های ضد ملی با ایادی ناپاک و وضع ناجوانمردانه‌ای شربت شهادت نوشید ۲۲۸/ ایجاد وحدت در میان مسلمانان جهان و تلقین جهاد در میان آنان برای این جانب مژده بسیار مسرت بخشی است ۲۳۰/ برای گستردن بساط عدل و نهضت در جهان در حال حاضر هیچ وسیله‌ای جز قیام و جهاد ملت‌های ضعیف و ستمدیده در برابر جور و بیداد دولتهای استعمار طلب وجود ندارد ۲۳۰/ توفیق عموم برادران اسلامی خود را در وصول به آمال مقدس اجتماعیشان خواستارم ۲۳۱/ لزوم یک نهضت فرهنگی به موازات نهضت ملی ایران ۲۳۱/ موافقت با پیشنهاد تأسیس انجمن فرهنگی ایران برای نشر فرهنگ ایران و ترویج زبان فارسی در ممالک همسایه ۲۳۱/ دولت انگلستان موانع غیرقانونی در راه فروش نفت ایران ایجاد کرده است ۲۳۳/ دولت انگلیس به این امید است که وضعیت سابق خود را در ایران تجدید کند ۲۳۳/ کمکهای دولت امریکا به ایران آنقدر نبوده

است که مشکلات ایران را بر طرف کند و صلح جهانی را تأمین کند ۲۳۴ / سطح زندگی مردم ایران در نتیجه یک قرن سیاست استعماری خیلی پائین است ۲۳۴ / بانک صادرات امریکا که می‌بایست ۲۵ میلیون دلار برای امور کشاورزی به ایران کمک کند به واسطه دخالت‌های ناروای دیگران [انگلستان] منصرف گردید ۲۳۴ / دستور اخراج مستر شارپ کشیش انگلیسی صادر شده است ۲۳۵ / به چه علت وزارت خارجه گزارشی درباره شارپ انگلیسی داده و اظهار نظر نموده است که از اخراج او خودداری می‌شود؟ ۲۳۸ / دستور عودت چهار ارباب جنگی مأمور قصر سعدآباد به قسمت مربوط ۲۴۰ / از فرار سرلشکر زاهدی جلوگیری شود ۲۴۱ / اینجانب مستظهر به پشتیبانی ملت ایران هستم ۲۴۲ / اینجانب در مدت تصدی خود جز برای پیشرفت نهضت ملی ایران و جز برطبق قانون قدمی برنداشته‌ام ۲۴۲ / اتهام تغییر رژیم کاملاً بی‌اساس است ۲۴۲ / در یک دادگاه نظامی غیرقانونی و بدون صلاحیت تحت محاکمه می‌باشم ۲۴۳ / تصمیم گرفتم دیگر غذا نخورم و جان خود را از ظلم و ستم این دستگاه خلاص نمایم ۲۴۵ / از بی‌قانونی این دستگاه همین بس که من در دادگاه غیرقانونی به سه سال حبس مجرد محکوم شده‌ام، ولی اموال من، اسناد من، اوراق قرضه ملی من،... را به این جانب مسترد نموده‌اند ۲۴۶ / مرگ برایم بزرگترین آرزوست ۲۴۷ / جلوگیری از دفاع وکلای دادگستری در محاکم نظامی بهیچ وجه پایه و اساس قانونی ندارد ۲۴۷ / چون نخست‌وزیر بوده‌ام دادگاه نظامی صلاحیت نداشته با اتهامات متسببه به من رسیدگی کند ۲۴۸ / مرگ برایم از زندگی بهتر است ۲۴۸ / قریب سه ماه می‌گذرد و تاکنون وکلای این جانب مرا برای شور و تنظیم لایحه فرجامی نتوانستند ملاقات کنند ۲۴۹ / همه دیدند که در دادگاه سلطنت آباد هر وقت خواستم از خود دفاع کنم عده‌ای از افراد باشگاه تاج چه ناسزا که نگفتند ۲۴۹ / تا هزار مثل من در راه آزادی فدا نشوند وطن عزیز ما ایران روی آزادی و استقلال را نخواهد دید ۲۴۹ / قضات عالی مقام! به دنیا ثابت نمائید که دادگستری ایران هم مثل دادگستری انگلیس نظری بجز عدالت و حق ندارد ۲۵۰ / تاریخ قضاوت خواهد نمود که آن دیوان [عالی کشور] چرا نسبت به من که در تمام مدت تصدی کار غیر از خیر مملکت نظری نداشتم این رویه را اتخاذ نموده‌اند ۲۵۱ / امید من در این دو سال زندان همیشه این بوده است که در جلسات محاکمه حاضر شوم و از حقی که قانون به من اعطاء نموده است استفاده نمایم ۲۵۳ / قاضی شرافتمند آن کسی است که رای به حق بدهد و غیر از حق و عدالت چیزی در نظر نگیرد ۲۵۵ / آیا از حق عفو اعلیحضرت این جانب باید استفاده کنم یا کسانی که برخلاف خواسته‌های ملت عمل کرده‌اند ۲۵۵ / چند مرتبه در هر دو دادگاه به سری شدن محاکمه تهدید شدم ۲۵۵ / چنانچه اعلیحضرت این جانب را مشمول عفو قرار دهند چون بزرگترین توهینی است که به یک خدمتگزار مملکت می‌شود زیر بار آن نمی‌روم و به زندگی خود خاتمه می‌دهم ۲۵۵ / از روزی که کشور ایران صاحب رژیم مشروطه شده از آن نخست‌وزیر و وزیرانی که برخلاف مصالح مملکت کار کرده‌اند حتی یک نفر را هم ولو برای چند دقیقه بازداشت نکرده‌اند ۲۵۹ / من و

همکارانم را که جز خواسته‌های مردم کاری نکرده‌ایم بازداشت نمودند ۲۶۰ / در هر کجا امید مظلوم به دادگستری است، وای از آن وقتی که دیوان عالی کشور هم نتواند طبق قانون و وظایف خود را انجام دهد ۲۶۰ / در این جانب قدرت انتحار هست و این هم باز خدمتی است که به آزادی و استقلال مملکت می‌شود ۲۶۰ / یک روز کسانی را که سد راه منافع بیگانگان می‌شدند بعنوان مخالف پادشاه با اسلحه آن روز و امروز بدین طریق از بین می‌برند ۲۶۱ / این محکومیت برای من مزید افتخار است ۲۶۲ / اگر دولت این جانب ساقط نمی‌شد چیزی نمی‌گذشت که قضیه نفت صد در صد بِنفع ملت ایران حل می‌شد ۲۶۲ / عفو شاه را قبول نخواهم کرد ۲۶۲ / محکومیت برای من که در راه وطن عزیزم می‌خواهم کشته شوم، پلهٔ اول افتخار است ۲۶۵ / راضی نشوید دادگستری بیش از این حیثیات خود را از دست بدهد ۲۶۶ / در شرایط فعلی هر کار می‌توان کرد جز اینکه تاریخ را نمی‌توان تحریف نمود و یا تغییر داد ۲۶۶ / مگر من در دادگاه چه می‌گفتم که بیاناتم تا این حد ایجاد وحشت کرده است ۲۶۸ / بی‌گناهی که عنقریب سه سال است بدستور سیاست خارجی و بر علیه مصالح مملکت در حبس مجرد بسر می‌برد ۲۶۸ / اجازه فرمائید طبق معمول تمام دادگستری‌های ممالک مترقی در این مملکت مشروطه هم مانع نشوند و بگذارند جرائد متن رای دادگاه و متن اعتراض و اعلام جرم این جانب را منتشر کنند ۲۶۸ / محکومیت در این دادگاه در نتیجهٔ خدمت به مملکت نصیب شده است و هرگز نمی‌خواهم آن را از دست بدهم ۲۶۸ / مبارزه ملت ایران را با سیاست خارجی در مراجع بین‌المللی و در خود مملکت با اعمال اجنبی جزو مفاخر تاریخی ملت می‌شمارند و هیچوقت از صفحات تاریخ این مملکت محو نمی‌شود ۲۷۳ / کتاب «بیان السعاده» در روز ۲۸ مرداد ۳۲ از خانه‌ام به غارت رفته ۲۷۴ / در آن روزگار [که در زندان بودم] هیچ کس حاضر نبود جواب سلام مرا بدهد، شمشیری حاضر شد مبلغ پانصد هزار تومان [برای مسخارج بیمارستان نجمیه] بلاعوض بدهد ۲۷۷ / من یکی از آقایان روحانیون را مثلاً آقای راشد را تعیین می‌کنم که شما را قسم بدهند ۲۷۹ / یک قسم یاد کنید و هرچه می‌گوئید طلب دارید دریافت نمائید ۲۷۹ / نمی‌دانید از تنهایی و حرف زدن با کسی چقدر به من بد می‌گذرد ۲۸۱ / اگر بخواهی در ایران زندگی کنی هر چند وقت یک بار باید دیدنی از اهل وطن بکنی و بروحیه این مردم آشنا شوی ۲۸۳ / غیر از این نه دنیا داری نه آخرت، چون که در سوئیس هم بیگانه‌ای ۲۸۳ / از تنهایی بسیار بد می‌گذرد ۲۸۵ / با کسی غیر از فرزندانم ارتباط ندارم ۲۸۶ / با کسی حق ملاقات ندارم و از محوطه قلعه نمی‌توانم پای به خارج گذارم ۲۸۶ / وضعیتم در این دو سال اخیر طوری است که غیر از فرزندان با کس دیگری نمی‌توانم ملاقات کنم و حتی از قلعه هم بدون اسکورت حق خروج ندارم ۲۸۷ / به ایران مراجعت فرمایید و به خدمت هموطنان عزیز توفیق حاصل فرمائید ۲۸۸ / تردید ندارم که این جمعیت [نهضت آزادی] تحت رهبری شخص جنابعالی [مرحوم مهندس بازرگان] موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد ۲۸۹ / خواسته‌اید

برسانید ملتی هم هست که در راه آزادی و استقلال از همه چیز می‌گذرد ۲۸۹/ آن کس که از دست ما رفت و یک عده مردم خیرخواه وطن‌پرست را داغدار نمود همان شادروان دکتر حسین فاطمی است ۲۹۰/ نام نیک دکتر فاطمی همیشه در صفحات تاریخ ایران باقی خواهد ماند ۲۹۰/ متجاوز از ۵۰ نفر سرباز و گروهان اطراف بنده هستند که اجازه نمی‌دهند با کسی ملاقات کنم ۲۹۰/ آنچه یک جمعیت ایران دوست آزادی‌طلب باید عمل کند در قطعنامه مصوب اولین کنگره جامعه تصویب شده ۲۹۱/ آقایان هموطنان عزیزم به مسئولیتی که دارند پی ببرند و بآنچه وظیفه حکم می‌کند عمل نمایند ۲۹۲/ نه با خلقت خدا می‌توان دعوا کرد و نه از آن چه مقدر شده است می‌توان سرپیچید ۲۹۳/ هر قدر از سختی زندگی خود عرض کنم کم گفته‌ام ۲۹۳/ خواهانم ایران وطن عزیز ما بتواند به همت رجال وطن‌پرست به آزادی و استقلال برسد و خود را در ردیف دول آزاد مستقل قرار دهد ۲۹۴/ انتشار کتاب الجزایر و مردان مجاهد تصور می‌کنم بیش از انتظار تأثیر کند و همه بدانند چه راهی را در مصالح مملکت باید در پیش گیرند ۲۹۵/ چشم مردم خیرخواه وطن‌پرست به شما نسل جدید دوخته شده ۲۹۶/ هر کس هر چه برای وطن خود کند در نفع خود کند ۲۹۶/ هر چه کرده و هر چه شده در سایه همکاری و معاضدت یک عده افراد وطن‌پرست و حمایت ملت ایران بوده ۲۹۷/ خواهانم که بیش از پیش در تنویر عقاید مسلمین کوشا و ساعی باشید و توفیق حاصل فرمائید ۲۹۹/ عقب ماندگی ما ایرانیان بعلت نداشتن تشکیلات سیاسی و اجتماعی است ۲۹۹/ من در این زندان اول امیدم به خدا و بعد به شما نسل جوان است ۳۰۰/ صبر و حوصله را پیشه قرار دهید ۳۰۰/ کسانی که بخواهند به مملکت خدمت کنند باید با شرکت مجلسی مرکب از نمایندگان حقیقی ملت این کار را انجام دهند ۳۰۲/ یک نفر را می‌توانند بهر وسیله‌ای جلب کنند ولی با گروهی از مردم این کار عملی نیست ۳۰۲/ دول استعماری نتوانستند از نفت ایران صرف‌نظر کنند، این بود که با هم متفق شدند و بهر قیمتی بود دولت را از بین بردند ۳۰۳/ اینجانب در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد قوایی در اختیار نداشتیم ۳۰۳/ در این کشور که قرن‌ها است زیر نظر دول استعماری اداره شده وقت لازم است تا بتوانید استعمار را از بین ببرید و دفع کنید ۳۰۴/ مسالک مختلف نباید مانع همکاری شود ۳۰۴/ اهداء به کسانی که در سیاست مملکت اهل سازش نیستند و تا آنجا که موفق بشوند مرد و مردانه می‌ایستند ۳۰۵/ درود فراوان به روان پاک دکتر سیدحسین فاطمی و سایر شهدای راه آزادی که با خون خود مبارزات ضد استعماری را آبیاری کردند ۳۰۵/ جبهه ملی هیچ وقت نظری جز اعتلاء و عظمت ایران نداشته ۳۰۵/ باید در بهای جبهه ملی به روی کلیه افراد و دستجات و احزابی که مایل به مبارزه و از خود گذشتگی در راه واژگون ساختن دستگاه استعماری هستند مفتوح گردد ۳۰۵/ لزوم تجدید نظر در قسمت مربوط به شورای جبهه ملی در اساسنامه جبهه ملی ۳۰۶/ رهبر را باید ملت تعیین کند نه بنده که سالهاست از همه جا بی‌خبرم ۳۰۷/ از خدا می‌خواهم که سال ۱۳۴۲ سال فرج بعد از شدت باشد ۳۰۷/ یک عده دوستان و

فداکاران حقیقی مملکت من جمله شخص قائم بالذات یعنی همسر محترم شما بجرم پاکی عقیده و دوستداری وطن مدتی است در زندان بسر می‌برند ۳۰۷/ معلوم نیست آن خدائی که مرقوم فرموده‌اید جهل و ظلم را محکوم می‌کند چه وقت به داد ما خواهد رسید ۳۰۸/ تقاضای تقدیم پیام سبب شد که معایب آن جبهه [ملی] بگویم و گوشزد نمایم ولی متأسفانه به آن ترتیب اثر ندادند ۳۱۰/ مفاد اساس نامه و آئین نامه جبهه ملی برخلاف آزادی و عدالت است ۳۱۰/ انتخابات جبهه ملی عیناً همان است که دولت به ولایت از طرف مردم می‌کند ۳۱۰/ باید در اساس نامه جبهه ملی تجدید نظر شود و نمایندگان هر دسته و هر صنفی نماینده‌ی حقیقی آن دسته و صنف باشند ۳۱۱/ در غیر تجدیدنظر در اساس نامه و آئین نامه انتظار هیچ پیشرفتی برای جبهه ملی نباید داشت ۳۱۱/ اظهار عقیده حق اشخاصی است که با جامعه ارتباط دارند و هر وقت موجباتی پیش آید می‌توانند با شور و مشورت با دیگران و اقامه ادله فراوان از تصمیمی که اتخاذ شده عدول کنند و تصمیم دیگری که بیشتر در مصالح اجتماع باشد اتخاذ نمایند ۳۱۳/ در انتخابات آزاد وظیفه هر فردی از افراد این است که شرکت کنند ۳۱۳/ جبهه بجای اینکه در اساس نامه و آئین نامه تجدیدنظر کند و آن را در صلاح و صواب مملکت تغییر دهد دست از کار کشید ۳۱۴/ آقایان محترم با تشکیلات جدید [جبهه ملی سوم] لازم است تماس بگیرند ۳۱۵/ موجب نهایت خوشوقتی و امتنان گردید که این هیئت محترم [کمیته سازمان دانشجویان جبهه ملی ایران] کماکان مسائل مربوط به ملت ایران را در نظر گرفته و تعطیل ننموده است ۳۱۶/ یگانه راهی که برای پیشرفت مقاصد ملی بنظر رسید همانا دخالت کلیه احزاب و دستجات سیاسی در جبهه ملی بود که بنا به تقاضای رهبران جبهه نظریات خود را نوشتیم که در کنگره قرائت شد و ترتیب اثری به آن ندادند ۳۱۷/ انحلال احزاب کار خوبی نشده ۳۱۸/ جبهه ملی حزب نیست ۳۱۸/ چنانچه احزاب و اجتماعات در جبهه شرکت نکنند جبهه همان می‌شود که اکنون شده است ۳۱۸/ جبهه نباید در صلاحیت احزاب و اجتماعات بحث کند ۳۱۸/ پیشرفت این جانب روی این اصل بود که به مرام و مسلک احزاب هیچ نظری نداشتم و سلاح ما منحصر به جمع‌آوری افراد بود که همگی معتقد بیک اصل بودند و از استقلال ایران دفاع می‌کردند ۳۱۸/ جبهه را بصورتی در آوردند که قادر به هیچ عملی نیست ۳۱۸/ شغل رهبری موروثی نیست که کسی برای بعد از حیات خود رهبری تعیین کند ۳۱۸/ تعیین رهبر از حقوق بلاتردید ملت ایران است ۳۱۸/ در دوره هفدهم می‌خواستند در غیاب این جانب در هر محل که انتخابات می‌شد بلوا و غوغا برپا کنند و این کار سبب شود که حواس من از دیوان بین المللی لاهه متوجه انتخابات گردد ۳۲۰/ نداشتن نماینده در مجلس به از اینست که نماینده در مجلس باشد و بضرر مملکت رای بدهد ۳۲۰/ انتخابات رئیس مجلس که پیش آمد عده‌ئی منحرف شدند ۳۲۰/ خواستند دولت را استیضاح کنند و از کار بیندازند ۳۲۰/ دولت نمی‌توانست بعلت نبودن عواید نفت کارگران معادن نفت را گرسنه بگذارد ۳۲۱/ بنظر رسید

تکلیف دولت را ملت ایران به وسیلهٔ رفراندم معلوم کند ۳۲۱/ [اجانب] نظر باینکه راه دیگری برای عزل دولت نبود به دستخط شاهنشاه متوسل شدند ۳۲۱/ با اساسنامه فعلی جبهه ملی هدف ملت ایران روزپروز ضعیفتر می‌شود ۳۲۱/ مبارزه هر آن بصورتی در می‌آید و رهبری با توجه به شرایط باید در آن تجدید نظر کند ۳۲۱/ دانشجویان جزئی از افراد مملکتند و به تنهایی نمی‌توانند کار مفیدی انجام دهند ۳۲۱/ اساسنامه جبهه ملی باید طوری تنظیم شود که هر حزب و جمعیت و دسته‌ای که صاحب تشکیلاتند بتوانند با انتخاب یک یا چند نماینده وارد جبهه شوند و در تصمیمات جبههٔ ملی شرکت کنند ۳۲۲/ هر حزب و هر اجتماع برای خود مرامی دارد ۳۲۲/ صلاح جبهه ملی هم در این است که کاری به مرام دیگران نداشته باشد ۳۲۲/ تعریف جبهه ملی: جبهه ملی مرکز احزاب و اجتماعات و دستجاتی است که برای خود تشکیلاتی دارند و مرامی جز آزادی و استقلال ایران ندارند ۳۲۲/ مجری این مرام افراد قلیل هر چند صاحب فکر نیستند، بلکه ملت ایران هستند ۳۲۲/ گذاردن یک عده‌ای در خارج از جبهه ملی و عدم پذیرش آن بهر عنوان که باشد برخلاف مصالح مملکت است ۳۲۲/ نمایندگان احزاب و اجتماعات و دستجات، جبهه ملی را برای مدت یک سال تشکیل می‌دهند ۳۲۲/ چون به پیشنهاد اصلاحی جوابی لطف نفرمودید نظریات خود را کتباً عرض نموده و تقدیم می‌کنم ۳۲۳/ دربهای جبهه را باید بروی احزاب و اجتماعات و دستجات بازگذاشت ۳۲۴/ دانشجویان با آن همه فداکاری مورد توجه جبهه ملی واقع نشدند ۳۲۴/ اگر آقایان با انتخابات مجلس مخالفید چرا رویه و رسم دولت را از دست نداده و در انتخابات احزاب و دانشجویان دخالت فرموده‌اید ۳۲۴/ ۲۸ مرداد توطئه نبود و یک کودتائی بود که دول خواهان امتیاز نفت به دست عمال خود در ایران ترتیب دادند ۳۲۵/ برای پیشرفت امور هیچ راهی برای الحاق مخالفین بهتر از تجدید اساسنامه نیست ۳۲۶/ نظریاتم از این جهت که از جریان امور دورم مورد قبول واقع نشد ۳۲۷/ در نامه رعایت ادب و احترام نشده و باید این کار بشود ۳۲۷/ چون می‌بینم نفاق بین دستجات بضرر ایران تمام می‌شود می‌خواهم سعی کنم آن را از بین ببرم و قوای ملی همه با هم همکاری کنند ۳۲۸/ اساسنامه و آئین‌نامه جبهه ملی طوری تنظیم نشده که ملت ایران بتواند از آن استفاده نماید ۳۲۹/ هر قدر جمعیت جبهه کم باشد بضرر مملکت است ۳۲۹/ انتخابات اعضای شورای جبهه ملی به دست کنگره همان طریق انتخاباتی است که دولت از طرف مردم می‌کند ۳۲۹/ شورای مرکزی جبهه باید از تمام احزاب و دستجات و سازمانهای صنفی و محلی تشکیل شود تا جبهه تقویت گردد و مورد احترام ملت باشد ۳۳۰/ نظر اینجانب به حزب توده نیست بلکه مربوط به احزابی است که مستقلند و می‌توانند حافظ منافع جامعه باشند ۳۳۰/ این جانب با این قسمت اساسنامه که می‌گوید «مدارک مربوط به احزاب در دبیرخانه جبهه ملی محفوظ خواهد ماند» مخالفم ۳۳۰/ اعضای شورای جبهه ملی باید هر کدام موکلانی داشته باشند که خود را در مقابل موکلان حقیقی مسئول بدانند ۳۳۰/ اشخاص بی‌موکل را که کنگره یا شوری انتخاب کنند

آلت دست اشخاصی می‌شوند که آنها را توصیه می‌کنند / ۳۳۰ / جبهه ملی احتیاج به افراد شجاع و وطن‌پرست دارد که به نمایندگی از طرف احزاب و دستجات از حقوق ملت ایران دفاع کنند / ۳۳۱ / آیا ممکن است در راه منافع ایران از چند ورق کاغذ بی‌مصرف صرف‌نظر کنند؟ / ۳۳۱ / این آخرین نامه‌ای است که تقدیم می‌کنم / ۳۳۱ / کناره‌جوئی جنابعالی [مرحوم اللهیار صالح] از کار جبهه ملی موجب یأس مردم است و اشخاصی مثل جنابعالی باید موجب امیدواری باشید نه اینکه عده بیشماری را مأیوس بفرمائید / ۳۳۲ / یک رجل سیاسی هرگز از خدمت به جامعه نمی‌بایست خودداری کند / ۳۳۲ / بیائید برای خیر جامعه یک اساسنامه‌ای که مورد قبول عموم باشد تنظیم بفرمائید / ۳۳۲ / کارگران رنج‌دیده معادن نفت در خلع ید نقش بسزایی داشته‌اند / ۳۳۲ / بطور صریح گفتم اگر از هموطنانم کاغذی برسد نمی‌توانم آن را بلاجواب گذارم / ۳۳۳ / در جنگ اول در حزب اعتدال وارد شدم / ۳۳۴ / به دعوت حزب دموکرات ضدتشیکیلی در این حزب وارد شدم / ۳۳۴ / با ورود اشخاص منفرد که شورای جبهه ملی و یا کنگره آنان را انتخاب کند موافق نیستم / ۳۳۴ / جبهه ملی احتیاج دارد به جمعیت زیاد و اشخاص منفرد جمعیتی ندارند که وجودشان در جبهه مؤثر باشد / ۳۳۵ / بنده هیچ وقت را در فداکاری‌های جنابعالی [مرحوم دکتر سید علی شایگان] را در شورای امنیت سازمان ملل و دیوان بین‌المللی لاهه فراموش نمی‌کنم / ۳۳۶ / جبهه ملی چون نخواست با نظریات بنده راجع به تجدید نظر در اساسنامه و آئین نامه موافقت کند دست از کار کشید و جبهه منحل گردید / ۳۳۶ / جبهه ملی غیر از آزادی و استقلال ایران پیرامون هیچ امری نگردد / ۳۳۷ / متجاوز از ۱۱ سال است در زندان بسر می‌برم و قادر نیستم از منافع و وطن خود دفاع نمایم / ۳۳۷ / این جانب اول کسی بودم که در این مملکت زبان اعتراض به مصونیت‌های اتباع دول بیگانه‌گشودم / ۳۳۷ / از کتاب سرگذشت فلسطین بسیار استفاده نمودم و حیفم آمد که این کتاب در گوشه‌ای بماند و مورد استفاده قرار نگیرد / ۳۳۸ / جبهه ملی سوم مرکز تجمع احزاب و جمعیت‌های سیاسی و جامعه روحانیت و جامعه دانشجویان و... که هر یک از آنها مرام خاص برای خود داشته باشند و با جبهه ملی سوم فقط دارای یک مرام مشترک باشند که آزادی و استقلال ایران است / ۳۳۹ / هیچ فردی که در یک اجتماع عضویت نداشته باشد نمی‌تواند وارد شورای جبهه ملی شود / ۳۳۹ / از آنچه کرده‌ام و یکی از آنها عدم تسلیم بود برای اینکه هدف ملت ایران از بین نرود بسیار راضی و خوشوقتم / ۳۴۰ / خواهانم راه صعب‌العبور آزادی و استقلال و وطن عزیز را در سایه اتحاد و وحدت فکری بپیمائید / ۳۴۲ / بعقیده من توجه به بیمارستان نجمیه بزرگترین کاری است که ما می‌توانیم در عمر خود انجام دهیم و به خدمت یک عده‌ای ناتوان توفیق حاصل کنیم / ۳۴۲ / همسر عزیزم متجاوز از ۶۴ سال با من زندگی کرد و به همه چیزم ساخت / ۳۴۴ / هیچ جمعیتی بدون یک رهبر مطلع و فداکار نمی‌تواند کاری انجام دهد و رهبر مورد اعتماد هم کسی است که هر چه اظهار کند اجتماع آن را بپذیرد و جامعه از آن پیروی کند / ۳۴۶ / بهتر این است که سرگذشت اعمال سیاسی این جانب را

دیگران بنویسند و جامعه بخواند و قضاوت کند ۳۴۶/ موقعی که به مصر رفتن نحاس پاشا از ترس سیاست خارجی باستقبال من نیامد ۳۴۷/ امیدوارم از این یادگار ارزنده و مفید [کتاب آزادی هند تالیف مرحوم مهندس بازرگان] بسیار استفاده نمایم ۳۴۸/ سلام و ارادت خالصانه‌ام را خدمت پدر بزرگوار تقدیم فرمائید ۳۴۸/ الحق که در راه خدمت به وطن رنج بسیار کشیده‌اند و صدمات ناگواری را تحمل فرموده‌اند. توفیق و سعادت آن یگانه مرد وطن پرست و دوستان و فادارشان را از خداوند مسألت دارم ۳۴۸/ ای کاش سرنوشت شهید دکتر سیدحسین فاطمی نصیب من شده بود ۳۵۰/ تبریکاتی که برای عید مسعود حضرت ولی عصر عجل الله فرجه به این اقل هموطنان اهداء فرموده‌اید موجب نهایت امتنان گردید ۳۵۰/ در بدو مشروطیت دو سه جلسه در انجمن آدمیت حاضر شدم و چون مجمع انسانیت بریاست مستوفی الممالک بنده را به سمت نیابت رئیس انتخاب کردند دیگر نتوانستم در انجمن آدمیت حاضر شوم ۳۵۴/ هر طور شده حق الزحمه تجزیه را پردازید ۳۵۴/ از اینکه می‌بینم جنابعالی اوقات خود را صرف امور عامه می‌فرمائید بسی خوشوقتم ۳۵۸/ هر کار اندازه دارد، افراط در هر کار این نتیجه را می‌دهد ۳۶۵/ در زندگی همه چیز لازم است، کار، معاشرت، صحبت و هر چیز که موجب تنوع بشود ۳۶۵/ به واعظ احمدآباد هر سال یک هدیه‌ای می‌دهم ۳۶۷/ عکس اگر کم باشد موجب توجه مردم قرار می‌گیرد و چنانچه زیاد بشود مورد تنفر خواهد شد ۳۶۸/ ما هیچ وقت نمی‌خواهیم آب دیگران را ببریم و در بیمارستان مریض بستری کنیم ۳۶۹/ من آقای دکتر سبحانی را کارشناس طرف خود تعیین می‌کنم والا روی یک نفر آدم متدین که دین و ایمان خود را به پول نفروشد طرفین معین کنیم ۳۷۰/ خوب است با نظر جناب آقای دکتر سبحانی دو سه نفر را پیشنهاد کنید ۳۷۰/ همیشه پدر و مادری نیست که کفیل خرج اولاد بشوند ۳۷۰/ کتاب را به صاحبش برسانید که من زیر دین نمانم ۳۷۱/ از جناب آقای مهندس بازرگان نامه‌ای نرسید ۳۷۳/ برای دانش آموزان عباس‌آباد وجه بدهید که لباس خریداری شود ۳۷۴/ آرزوی من این است که ملکی خریداری کنم وقف بیمارستان کنم و منافع آن مادام‌العمر حق خدیجه باشد. این دختر که در زندگی نتوانست کاری بکند شاید طوری پیش آید که برای این کار موفق شود و اجر اخروی ببرد ۳۷۴/ من که در عمر برای خودم سوءاستفاده نکردم چه لزوم دارد که برای یک مؤسسه خیریه مرتکب چنین عملی بشوم ۳۷۵/ من نمی‌توانم کاری برخلاف وقف نامه بکنم ۳۷۵/ اوراق مرحمتی را به دقت خواندم... با وضعیت فعلی صلاح در انتشار نیست ۳۷۶/ شهید راه وطن دکتر حسین فاطمی رحمه الله علیه اول پیشنهاد ملی شدن صنعت نفت را داد ۳۷۶/ مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند دفن نمایید ۳۷۶/ وجهی را برای نماز و روزه و حج این جانب بکار ببرید ۳۷۷/.

منابع و مأخذ

- ۱- آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ش ۲۵۱۶۴ - ق؛ ش ۱۱۲۴-۲۴.
- ۲- همانجا.
- ۳- روزنامه ایران، ش ۱۶۳ مورخه ۸ ربیع‌الثانی ۳/۳۳۶ دلو ۱۲۹۶.
- ۴- آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش ۴۸۲۱-۲۹۳.
- ۵- مصدق و مسائل حقوق و سیاست؛ زیر نظر ایرج افشار، زمینه، ۱۳۵۸، ص ۱۳۶.
- ۶- آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س م - یک پوشه ۴/۳۹.
- ۷- همانجا.
- ۸- خاطرات و تألمات مصدق؛ به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، ص ۱۲۵.
- ۹- تاریخ معاصر ایران؛ کتاب ششم؛ صص ۲۶۹ و ۲۷۰.
- ۱۰- آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س م - یک پوشه ۵/۱۲۹۶.
- ۱۱- همانجا.
- ۱۲- خاطرات و تألمات مصدق،... ص ۱۲۶.
- ۱۳- همانجا؛ ص ۱۲۹.
- ۱۴- مجله آینده؛ ش ۷-۹ ص ۱۳۵۸ صص ۶۶۴ و ۶۶۵.
- ۱۵- آرشیو مؤسسه پژوهش و...؛ ش س م - یک پوشه ۶/۵۲۶.
- ۱۶- مجله آینده؛ ش ۷-۹ ص ۱۳۵۸ ص ۶۶۷.
- ۱۷- مجله آینده.
- ۱۸- آرشیو مجلس شورای ملی (ساختمان شماره ۲ فعلی مجلس شورای اسلامی).
- ۱۹- آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س م - یک پوشه ۱۳۳۷.

- ۲۰- همانجا؛ ش س ۳۸۰۶-۲۹۳
- ۲۱- همانجا، ش س ۳۷۹۶-۲۹۳
- ۲۲- آرشیو مجلس شورای ملی $\frac{۳۹}{۹۶}$
- ۲۳- آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی. با تشکر از آقای دکتر ناصر تکمیل همایون که راهنمای ما در وصول به این سند بوده‌اند.
- ۲۴- همانجا.
- ۲۵- همانجا.
- ۲۶- جهان‌بانی (سپهد امان‌الله)؛ خاطراتی از دوران درخشان رضاشاه کبیر، ۱۳۴۶؛ ص ۱۹۰.
- ۲۷- آرشیو مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی
- ۲۸- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران، آلبوم ۱۸۳ ردیف ۳۴۷۳.
- ۲۹- روزنامه ایران؛ ش ۱۳۶۴؛ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۲.
- ۳۰- آرشیو مؤسسه پژوهش و...
- ۳۱- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران؛ ۴/۱۴۷.
- ۳۲- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۳- آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۳۴- همانجا. ۳۵- همانجا. ۳۶- همانجا.
- ۳۷- همانجا. ۳۸- همانجا. ۳۹- همانجا.
- ۴۰- همانجا. ۴۱- همانجا. ۴۲- همانجا.
- ۴۳- همانجا. ۴۴- همانجا؛ $\frac{۲۸}{۴۹}$
- ۴۵- روزنامه قانون؛ ش ۱۲ مورخه ۲۱ بهمن ۱۳۲۹.
- ۴۶- نجفی (موسی)؛ «شهید حاج آقا نورالله زعیم بزرگ حوزه تاریخی اصفهان»؛ ص. ۴۲۴.
- ۴۷- آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۴۸- آرشیو نخست وزیری سابق واقع در کاخ سعدآباد
- ۴۹- همانجا.
- ۵۰- روزنامه اطلاعات؛ ش ۳۹۶؛ مورخه ۱۱ دی ۱۳۰۶.
- ۵۱- کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم؛ ج اول، تجدید چاپ از جانب انتشارات مصدق، صص ۱۰۴ تا ۱۰۶.
- ۵۲- روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۶۱۵ مورخه ۲۳ آبان ۱۳۲۳.
- ۵۳- مکی (حسین)؛ کتاب سیاه؛ ج دوم؛ صص ۵۱۲ و ۵۱۳ و روزنامه اطلاعات ۲۴ آبان ۱۳۲۴.
- ۵۴- مجله رسانه؛ ش ۱ س ۴، بهار ۱۳۷۲، مقاله آقای مسعود کوهستانی‌نژاد، به نقل از روزنامه اقدام، ش ۶۸ مورخه ۱۰/۱۱/۱۲۲۳. با تشکر از آقای کوهستانی‌نژاد که راقم را از وجود این نامه

- مطلع ساختند.
- ۵۵- کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج اول؛ ... صص ۱۰۶ تا ۱۰۹.
- ۵۶- روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۶۸۱ مورخه ۱۶ بهمن ۱۳۲۳.
- ۵۷- کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج اول؛ ... صص ۲۴۵ تا ۲۴۹.
- ۵۸- آرشیو سازمان اسناد ملی.
- ۵۹- مکی (حسین) دکتر مصدق و نطقهای تاریخی او؛ جاویدان؛ ۱۳۵۸؛ ص ۳.
- ۶۰- روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۷۹۱؛ مورخه سی ام خرداد ۱۳۲۴.
- ۶۱- کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ ص ۳۷.
- ۶۲- همانجا؛ ص ۴۹.
- ۶۳- همانجا؛ صص ۱۸۹ و ۱۹۰.
- ۶۴- آرشیو سازمان اسناد ملی.
- ۶۵- کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ ص ۲۳۰.
- ۶۶- همانجا؛ صص ۲۳۰ و ۲۳۱ و اطلاعات ۱۰/۲۲/۱۳۲۴.
- ۶۷- روزنامه اطلاعات؛ ش ۵۹۵۷؛ مورخه ۱۰/۲۳/۱۳۲۴.
- ۶۸- کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ صص ۲۳۱ و ۲۳۲.
- ۶۹- روزنامه اطلاعات؛ ش ، مورخه ۱۰/۱۳۲۴.
- ۷۰- کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ ص ۱۷۸.
- ۷۱- و همچنین: کی استوان (حسین)؛ سیاست موازنه منفی...؛ ج دوم؛ صص ۱۹۸ تا ۲۰۱.
- ۷۲- مجله آینده، سال نوزدهم/ صص ۱۰۰۰ تا ۱۰۰۲.
- ۷۳- گزارشهای محرمانه شهربانی (۱۳۲۶-۱۳۲۴ ش) جلد اول، به کوشش: مجید تفرشی - محمود طاهراحمدی؛ صص ۲۳۶ و ۲۳۷.
- ۷۴- روزنامه اطلاعات؛ مورخه ۱۸ خرداد ۱۳۲۶.
- ۷۵- روزنامه مظفر؛ ش ۱۳۷؛ مورخه ۶ دی ۱۳۲۶.
- ۷۶- مجله خواندنیها؛ ش ۲۹، سال ۱۶، ص ۱۷ و اطلاعات ش ۶۵۹۵ مورخه ۲۹ اسفند ۱۳۲۶.
- ۷۷- نجمی (ناصر)؛ با مصدق و دکتر فاطمی؛ خرداد ۱۳۶۸، انتشارات معاصر.
- ۷۸- مکی (حسین)؛ نفت و نطق مکی، جریان مذکرات نفت در مجلس پانزدهم؛ امیرکبیر؛ ۱۳۵۷، صص ۱۰۹ تا ۱۱۱.
- ۷۹- با تشکر از جناب آقای میرزائی که از روی لطف این نامه را از آقای محسن ملکی نوۀ مرحوم سلطان‌العلماء برای انتشار در این مجموعه دریافت و در اختیار راقم قرار دادند.
- ۸۰- مکی (حسین)؛ نفت و نطق مکی...؛ صص ۵۳۳ و ۵۳۴.
- ۸۱- همانجا؛ ص ۵۶۲.
- ۸۲- همانجا؛ ص ۲۳۲.

- ۸۳- روزنامه شاهد؛ ش ۵؛ ۲۷ شهریور ۱۳۲۸.
- ۸۴- روزنامه باخترامروز؛ ش ۶۸ سال اول، ۱۶ مهر ۱۳۲۸.
- ۸۵- روزنامه اطلاعات؛ ۱۶ مهر ۱۳۲۸ و باختر امروز همان روز.
- ۸۶- امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛ مجاهدان و شهیدان راه آزادی؛ صص ۱۳۹ و ۱۴۰ و روزنامه اطلاعات ۱۳۲۸/۷/۲۳.
- ۸۷- روزنامه اطلاعات؛ ش ۷۰۵۶ مورخه ۲۴ مهر ۱۳۲۸.
- ۸۸- روزنامه اطلاعات؛ ۲۷ مهرماه ۱۳۲۸.
- ۸۹- روزنامه شاهد؛ ش ۲۹؛ ۲۸ مهر ۱۳۲۸.
- ۹۰- با تشکر از آقای دکتر محمود مصدق که عکس این نامه و تعدادی دیگر از نامه‌های دکتر مصدق به مشارالیه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۹۱- روزنامه شاهد؛ ش ۴۴ مورخه ۲۱ آذر ۱۳۲۸.
- ۹۲- از اسناد دکتر محمود مصدق.
- ۹۳- روزنامه شاهد؛ ش ۴۴ مورخه ۲۱ آذر ۱۳۲۸.
- ۹۴- روزنامه باختر امروز؛ ۹ دی ۱۳۲۸.
- ۹۵- همانجا؛ ۱۹ دی ۱۳۲۸. ۹۶- همانجا؛ ۸ بهمن ۱۳۲۸.
- ۹۷- روزنامه صفیر؛ ش ۶۳؛ ۲۴ بهمن ۱۳۲۸.
- ۹۸- همانجا؛ ش ۶۵؛ ۲۶ بهمن ۱۳۲۸. ۹۹- همانجا؛ ش ۶۷؛ ۲۹ بهمن ۱۳۲۸.
- ۱۰۰- روزنامه باختر امروز؛ ۲۸ بهمن ۱۳۲۸.
- ۱۰۱- همانجا؛ ۲ اسفند ۱۳۲۸.
- ۱۰۲- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران و روزنامه باخترامروز؛ ش ۱۸۵؛ ۲۰ اسفند ۱۳۲۸.
- ۱۰۳- روزنامه باخترامروز؛ ش ۲۰۱، سال اول، مورخه ۱۴ فروردین ۱۳۲۹.
- ۱۰۴- یادداشت‌های دکتر قاسم غنی؛ ج ۷، چاپ ایران؛ ص ۴۹۶.
- ۱۰۵- روزنامه باخترامروز؛ ش ۲۳۴؛ ۲۴/ اردیبهشت ۱۳۲۹.
- ۱۰۶- همانجا؛ ش ۲۵۳؛ ۱۷ خرداد ۱۳۲۹.
- ۱۰۷- از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۰۸- همانجا. ۱۰۹- همانجا.
- ۱۱۰- روزنامه ستاره و باختر امروز مهر ۱۳۲۹.
- ۱۱۱- با سپاس و تشکر از آقای دکتر علی مدرسی که قبول زحمت فرموده و بدرخواست این بنده عکس تعدادی از اسناد آقای مکی را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۱۱۲- با تشکر از آقای دکتر سعید فاطمی که عکس این نامه و تعدادی دیگر از دست خط‌های دکتر مصدق را برای انتشار در اختیار راقم قرار دادند.

- ۱۱۳ - با ذکر خیر و طلب مغفرت و آرزوی آرامش روان برای مرحوم مهندس کاظم حسینی که عکس این نامه و تعدادی دیگر از اسناد خود را در اختیار راقم قرار داد.
- ۱۱۴ - روزنامه ستاره، ش ۳۵۹۴؛ ۳ آبان ۱۳۲۹.
- ۱۱۵ - همانجا؛ مورخه ۵ آذر ۱۳۲۹ و باخترامروز، ش ۲۹۰، مورخه ۴ آذر ۱۳۲۹.
- ۱۱۶ - از اسناد مرحوم مهندس کاظم حسینی.
- ۱۱۷ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی
- ۱۱۸ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۴۵.
- ۱۱۹ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۲۰ - همانجا.
- ۱۲۱ - خبیری (سیروس حسین)؛ هدف س، حزب جنبش ملی راهنمای ایران؛ ص ۴۴.
- ۱۲۲ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه؛ ج دوم، ص ۱۴۶.
- ۱۲۳ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۲۴ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۴۷.
- ۱۲۵ - همانجا؛ ص ۱۴۸.
- ۱۲۶ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۲۷ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ... ص ۱۴۹.
- ۱۲۸ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۸۴.
- ۱۲۹ - از اسناد مرحوم مهندس کاظم حسینی.
- ۱۳۰ - روزنامه باخترامروز، س دوم؛ ۱۹ دی ۱۳۲۹.
- ۱۳۱ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۵۰.
- ۱۳۲ - همانجا ص ۱۵۱.
- ۱۳۳ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ج دوم، ص ۱۵۲.
- ۱۳۴ - همانجا ص ۱۵۳. ۱۳۵ - همانجا ص ۱۵۴.
- ۱۳۶ - همانجا ص ۱۵۵.
- ۱۳۷ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۳۸ - روزنامه شاهد؛ مورخه ۱ بهمن ۱۳۲۹.
- ۱۳۹ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه، ... ص ۱۵۶.
- ۱۴۰ - همانجا؛ ص ۱۵۷.
- ۱۴۱ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۴۲ - از اسناد آقای دکتر سعید فاطمی.
- ۱۴۳ - روزنامه ستاره، ش ۳۶۵۳، ۱۱ بهمن ۱۳۲۹.
- ۱۴۴ - روزنامه باخترامروز، ش ۴۴۵؛ ۱۴ بهمن ۱۳۲۹.

- ۱۴۵ - روزنامه ستاره، ۳۶۵۶؛ ۱۵ بهمن ۱۳۲۹.
- ۱۴۶ - یادداشتهای دکتر غنی؛ جلد نهم؛ ص ۶۳۱.
- ۱۴۷ - روزنامه باختر امروز؛ ش ۴۶۱؛ ۳ اسفند ۱۳۲۹.
- ۱۴۸ - اعرابی (حسین)؛ یادنامه مهندس حسینی؛ ص ۱۲۸.
- ۱۴۹ - روزنامه اطلاعات و باختر امروز ۱۳ و ۱۴ اسفند ۱۳۲۹.
- ۱۵۰ - از اسناد مرحوم مهندس کاظم حسینی.
- ۱۵۱ - ترکمان (محمد)؛ تشنجات، درگیری‌های خیابانی و توطئه‌ها در دوران حکومت دکتر محمد مصدق، دفتر اول، رسا، ۱۳۵۹، ص ۳۲.
- ۱۵۲ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۱۵۳ - با تشکر از آقای کاوه بیات که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۱۵۴ - امیر علائی (دکتر شمس‌الدین)؛ خاطرات من در یادداشتهای پراکنده؛ دهخدا؛ ص ۱۹۶.
- ۱۵۵ - روزنامه فکر جوان، ش ۵۳۰، سال بیست و پنجم، ۲۰ فروردین ۱۳۳۰.
- ۱۵۶ - با تشکر و سپاس بی‌پایان از محقق ارجمند حضرت آیه‌الله سیدمحمدعلی روضائی که تعداد قابل توجهی از اسناد ارزشمند متعلق به کتابخانه شخصی و اسناد خانوادگی خود را با بلندنظری در اختیار راقم قرار دادند.
- ۱۵۷ - ترکمان (محمد)، تشنجات، درگیری‌های خیابانی و...، دفتر اول، ص ۴۵.
- ۱۵۸ - مجله خواندنیها، سال ۱۱، ش ۷۰ مورخه ۳ / اردی‌بهشت ۱۳۳۰.
- ۱۵۹ - تکراری سند ۱۴۸ است.
- ۱۶۰ - مکی (حسین)؛ کتاب سیاه؛ ج دوم؛ ص ۶۳۹.
- ۱۶۱ - اسناد نفت؛ از انتشارات دولت مصدق، ۱۳۳۰، انتشارات پویان، صص ۷۰ و ۷۱.
- ۱۶۲ - ترکمان (محمد)؛ تشنجات، درگیری‌های خیابانی و توطئه‌ها... دفتر اول، ص ۸۳.
- ۱۶۳ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق،... صص ۷۳ و ۷۴.
- ۱۶۴ - روزنامه قانون؛ ش ۱۴؛ ۱۴ اردی‌بهشت ۱۳۳۰.
- ۱۶۵ - از اسناد آقای دکتر سعید فاطمی.
- ۱۶۶ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق،... ص ۲۷.
- ۱۶۷ - امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین).
- ۱۶۸ - اسناد نفت،... صص ۱۱۶ تا ۱۱۹.
- ۱۶۹ - همانجا؛ ص ۱۳۲. ۱۷۰ - همانجا؛ ص ۱۳۱.
- ۱۷۱ - روزنامه شاهد، ش ۴۱۱؛ ۲۸ خرداد ۱۳۳۰.
- ۱۷۲ - روزنامه صدای خراسان؛ ش ۷۴، سال دوم؛ ۱ تیر ۱۳۳۰.
- ۱۷۳ - همانجا.

- ۱۷۴ - به نقل از کتاب «کارنامه مصدق».
- ۱۷۵ - روزنامه سیاه و سفید؛ ش ۸؛ ۳ تیر ۱۳۳۰.
- ۱۷۶ - آرشیو مؤسسه پژوهش و... ش س.
- ۱۷۷ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق، ... صص ۱۷۲ تا ۱۷۴۷
- ۱۷۸ - راین (اسمعیل)؛ اسرار خانه سدان؛ امیرکبیر، ص ۴۵.
- ۱۷۹ - از اسناد آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی.
- ۱۸۰ - راین (اسمعیل)، اسرار خانه سدان؛ صص ۱۲۴ تا ۱۴۰.
- ۱۸۱ - ترکمان (محمد)؛ تشنجات و درگیری‌های خیابانی...؛ دفتر اول؛ ص ۱۱۸.
- ۱۸۲ - روزنامه دوست ملت؛ ش ۵۶ س دوم.
- ۱۸۳ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۸۴ - روزنامه دوست ملت؛ ش ۵۶ س دوم.
- ۱۸۵ - روزنامه باختر امروز؛ مورخه ۳۰ تیر ۱۳۳۰.
- ۱۸۶ - اسناد نفت، از انتشارات دولت مصدق، ... صص ۳۷۴
- ۱۸۷ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۸۸ - از اسناد آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی.
- ۱۸۹ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۱۹۰ - همانجا.
- ۱۹۱ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۱۹۲ - روزنامه قانون؛ ۱۶ شهریور ۱۳۳۰.
- ۱۹۳ - روزنامه شاهد؛ ش ۴۸۴؛ ۲۷ شهریور ۱۳۳۰.
- ۱۹۴ - از اسناد آیت‌الله سید محمدعلی روضاتی.
- ۱۹۵ - روزنامه «فکر جوان»؛ سال بیست و پنجم؛ ۹ مهر ۱۳۳۰.
- ۱۹۶ - روزنامه «مهد آزادی» سال اول؛ ش ۴۲؛ ۲۷ شهریور ۱۳۳۰.
- ۱۹۷ - از اسناد آیت‌الله روضاتی.
- ۱۹۸ - با تشکر و سپاس از آقای احمد انواری که مأخذ این نامه را در اختیار راقم قرار دادند (پرخاش؛ ش ۱۹، ۲۸ مرداد ۱۳۵۸).
- ۱۹۹ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۰۰ - همانجا.
- ۲۰۱ - از اسناد آیت‌الله روضاتی.
- ۲۰۲ - همانجا.
- ۲۰۳ - روزنامه باختر امروز؛ مهر ۱۳۳۰.

- ۲۰۴ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۲۰۵ - روزنامه «مهد آزادی» ش ۱ (۴۴) س دوم؛ مورخه ۱۳ مهر ۱۳۳۰.
- ۲۰۶ - روزنامه باختر امروز؛ چهاردهم مهر ۱۳۳۰.
- ۲۰۷ - همانجا. ۲۰۸ - همانجا.
- ۲۰۹ - روزنامه «عرفان»؛ سال بیست و هشتم؛ ۲۲ مهر ۱۳۳۰.
- ۲۱۰ - با سپاس و تشکر از آقای ادیب برومند که عکس این نامه و تعدادی دیگر از دست‌خطهای دکتر مصدق را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۱۱ - روزنامه اطلاعات؛ ششم آبان ۱۳۳۰.
- ۲۱۲ - همانجا؛ ۷ آبان ۱۳۳۰. ۲۱۳ - همانجا؛. ۲۱۴ - همانجا؛ ۱۶ آبان ۱۳۳۰.
- ۲۱۵ - با تشکر از آقای نورالدین کیا که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۱۶ - از اسناد آیت الله چهار سوقی.
- ۲۱۷ - روزنامه اطلاعات؛ ۲ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۱۸ - از اسناد آیت الله چهار سوقی.
- ۲۱۹ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۳۲ مورخه ۵ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۰ - تفضلی (محمود)؛ مصدق، نقت، کودتا؛... ص ۱۷۰.
- ۲۲۱ - نامه منادی اسلام؛ سال اول، شماره اول، ۱۲ دی ۱۳۳۰.
- ۲۲۲ - روزنامه «مهد آزادی»؛ سال دوم، ش ۵ (۴۸)؛ ۱۰ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۳ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۳۴، ۱ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۴ - همانجا.
- ۲۲۵ - با تشکر از آقای شمس‌الدین عالمی که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۲۶ - روزنامه «شاهد»؛ ش ۵۴۴؛ سی دوم، ۱۴ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۷ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۳۶، ۱۸ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۲۸ - شیفته (دکتر نصرالله)؛ زندگی نامه و مبارزات سیاسی دکتر حسین فاطمی؛ ص ۲۱۳.
- ۲۲۹ - روزنامه اطلاعات؛ ۳۰ آذر ۱۳۳۰.
- ۲۳۰ - با تشکر از آقای دکتر محمد کاظم مدرس تهرانی که قبول زحمت کرده و متن این نامه و یک نامه دیگر از دکتر محمد مصدق به مرحوم والد متقی و معزز خود را برای راقم تلفنی قرائت فرمودند.
- ۲۳۱ - روزنامه اطلاعات، ۱۹ آبان ۱۳۴۳.
- ۲۳۲ - روزنامه مهد آزادی؛ س دوم، ش ۵ (۴۸).
- ۲۳۳ - روزنامه «فکر جوان»؛ ش ۵۵۱، سال بیست و پنجم، اول بهمن ۱۳۲۰.
- ۲۳۴ - روزنامه مهد آزادی؛ س دوم، ش ۵ (۴۸)؛ ۱۰ آذر ۱۳۳۰.

- ۲۳۵ - همانجا.
- ۲۳۶ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۵۱، ۴ بهمن ۱۳۳۰.
- ۲۳۷ - روزنامه «اطلاعات»؛ ش ۷۷۲۷؛ ۷ بهمن ۱۳۳۰.
- ۲۳۸ - روزنامه «فکر جوان»؛ ش ۵۵۲، سال بیست و پنجم، ۱۵ بهمن ۱۳۲۰.
- ۲۳۹ - آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۴۰ - از اسناد آقای دکتر محمد کاظم مدرس تهرانی.
- ۲۴۱ - روزنامه باختر امروز؛ ۱۱ اسفند ۱۳۳۰.
- ۲۴۲ - روزنامه «شاهد»؛ س سوم؛ ش ۶۱۵؛ ۱۰ اسفند ۱۳۳۰.
- ۲۴۳ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۲۴۴ - همانجا.
- ۲۴۵ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۶۴، ۱ فروردین ۱۳۳۱.
- ۲۴۶ - اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۴۷ - روزنامه «کمالی»؛ ش ۳۲۶؛ مورخه ۱۱/۲/۱۳۳۱.
- ۲۴۸ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۲۴۹ - روزنامه «عرفان»؛ ش ۴۲۷۷؛ ۵ خرداد ۱۳۳۱.
- ۲۵۰ - پنداره، شماره ۳ تیرماه ۱۳۳۱.
- ۲۵۱ - منادی اسلام، سی اول ش ۲۱ مورخه ۱۲ تیر ۱۳۳۱.
- ۲۵۲ - از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۵۳ - روزنامه «عرفان»، س ۳۲۸۶؛ ۱۲ تیر ۱۳۳۱.
- ۲۵۴ - آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۵۵ - ترکمان (محمد)؛ نقدی بر مصدق و نبرد قدرت «به انضمام» اسنادی دربارهٔ رابطه علما با دکتر مصدق؛ رسا، ۱۳۷۱، ص ۵۱ و ۵۲).
- ۲۵۶ - از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۵۷ - کمال «سپهبد»؛ گوشه‌ای از خاطرات؛ ص ۱۱۵.
- ۲۵۸ - روزنامه «اتحادملی»، ش ۲۸۲، سال نهم، ۱۷ شهریور ۱۳۳۲.
- ۲۵۹ - روزنامه «فکر جوان»، ش ۵۶۶؛ ۴ شهریور ۱۳۳۱.
- ۲۶۰ - روزنامه «اطلاعات»؛ ش ۷۸۶۴؛ ۴ مرداد ۱۳۳۱.
- ۲۶۱ - از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۶۲ - روحانیت و نهضت ملی شدن صنعت نفت، بکوشش، گروهی از هواداران نهضت اسلامی ایران در اروپا، بی‌جا، بی‌تا، ص ۹۷. چاپ دیگری از این کتاب توسط انتشارات «دارالفکر» قم، تاریخ ۱۳۵۸ نیز در دست است.

- ۲۶۳- از اسناد آیت الله روضاتی.
- ۲۶۴- تحریف تاریخ؛ به کوشش گروهی از دانشجویان ایرانی مقیم آلمان؛ ص ۱۳۸.
- ۲۶۵- روزنامه «عرفان»؛ ش ۳۲۹۸؛ ۲ شهریور ۱۳۳۱.
- ۲۶۶- روزنامه «فکر جوان»؛ ش ۵۶۸، سال ۲۶؛ ۱۵ مهر ۱۳۳۱.
- ۲۶۷- افراسیابی (بهرام)؛ مصدق و تاریخ، ص ۴۰۲.
- ۲۶۸- روزنامه «کیهان»؛ ش ۲۸۵۴؛ ۲۸ آبان ۱۳۳۱.
- ۲۶۹- با تشکر از آقای مسعود کوهستانی نژاد که متن استنساخ شده این نامه را از روزنامه باختار امروز ۲۰ آبان ۱۳۳۱ در اختیار راقم قرار دادند.
- ۲۷۰- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران؛ آلبوم ۱۸۲ ردیف ۳۴۵۹.
- ۲۷۱- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران؛ آلبوم ۱۸۲؛ ردیف ۳۴۵۹.
- ۲۷۲- آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۲۷۳- امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛ مجاهدان و شهیدان راه آزادی؛ ۱۳۵۷؛ دهخدا، ص ۴۳۴.
- ۲۷۴- روزنامه «اطلاعات»؛ ۱۵ دی ۱۳۳۱.
- ۲۷۵- همانجا؛ ۱۶ دی ۱۳۳۱.
- ۲۷۶- اطلاعات؛ ۳۰ دی ۱۳۳۱.
- ۲۷۷- آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۷۸- روزنامه اطلاعات؛ ۱۹ بهمن ۱۳۳۱.
- ۲۷۹- روزنامه «اطلاعات»؛ ش ۸۰۳۰؛ ۲۹ بهمن ۱۳۳۱.
- ۲۸۰- همانجا. ۲۸۱- همانجا.
- ۲۸۲- روزنامه «ستاره»؛ ش ۳۹۳۰؛ ۲۰ شهریور ۱۳۳۲.
- ۲۸۳- آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۸۴- همانجا.
- ۲۸۵- روزنامه «سیاه و سفید» ش ۵۱ س دوم، ۲۶ فروردین ۱۳۳۲.
- ۲۸۶- آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۸۷- روزنامه «عرفان»؛ ش ۲۳۵۴؛ ۲۷ فروردین ۱۳۳۲.
- ۲۸۸- آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۲۸۹- ترکمان (محمد)؛ اسنادی پیرامون توطئه ربودن و قتل سرلشکر افشارطوس رئیس شهرداری حکومت ملی؛ انتشارات رسا، ص ۲۰۳.
- ۲۹۰- آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.
- ۲۹۱- روزنامه «کیهان»؛ ش ۲۹۹۵؛ ۲۷/ اردی‌بهشت ۱۳۳۲.
- ۲۹۲- آرشیو اسناد مجلس شورای ملی.

- ۲۹۳ - روزنامه «کیهان»؛ ش ۳۰۱۶؛ ۲۴ خرداد ۱۳۳۲.
- ۲۹۴ - همانجا؛ ۲۵ خرداد ۱۳۳۲. ۲۹۵ - همانجا؛ ۱ تیر ۱۳۳۲.
- ۲۹۶ - همانجا؛ ۳ تیر ۱۳۳۲. ۲۹۷ - همانجا؛ ۸ تیر ۱۳۳۲.
- ۲۹۸ - امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛
- ۲۹۹ - روزنامه «مهدآزادی»؛ ش ۳۳؛ ۱۶ تیر ۱۳۳۲.
- ۳۰۰ - روزنامه «کیهان»؛ ش ۳۰۳۸، ۲۰ تیر ۱۳۳۲.
- ۳۰۱ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۰۲ - همانجا.
- ۳۰۳ - روزنامه «دوست‌ملت»؛ ش ۱۵۱؛ سی‌چهارم.
- ۳۰۴ - همانجا. ۳۰۵ - همانجا.
- ۳۰۶ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۳۰۷ - خاطرات سیف پورفاطمی.
- ۳۰۸ - همانجا.
- ۳۰۹ - ترکمان (محمد)؛ نقدی بر مصدق و... به انضمام اسنادی دربارهٔ رابطهٔ علما با دکتر مصدق،... صص ۶۳ و ۶۴.
- ۳۱۰ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۱۱ - روزنامه ستاره؛ ش ۴۰۰۵؛ ۲۴ آذر ۱۳۳۲.
- ۳۱۲ - آرشیو سازمان اسناد ملی ایران.
- ۳۱۳ - روزنامه «آژنگ»؛ مرداد ۱۳۳۳.
- ۳۱۴ - به نقل از اسناد پرونده دکتر محمد مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
- ۳۱۵ - ترکمان محمد (دهنوی)؛ چند سند منتشر نشده از دکتر مصدق؛ ۱۳۵۹؛ ص ۱۶.
- ۳۱۶ - آرشیو سازمان اسناد ملی.
- ۳۱۷ - با تشکر از آقای سهلعلی مددی که عکس این تلگراف را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۱۸ - ترکمان - محمد (دهنوی)؛ مجموعه‌ای از مکتوبات و پیامهای آیت‌الله کاشانی، ج سوم.
- ۳۱۹ - ترکمان (محمد)؛ چند سند منتشر نشده از دکتر مصدق؛ ص ۱۷.
- ۳۲۰ - همانجا؛ ص ۱۹.
- ۳۲۱ - به نقل از اسناد پرونده دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
- ۳۲۲ - ترکمان - محمد (دهنوی)؛ چند سند منتشر نشده... ص ۲۱ و ۲۲.
- ۳۲۳ - به نقل از اسناد پرونده دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.
- ۳۲۴ - ترکمان - محمد...؛ چند سند منتشر نشده...؛ صص ۲۵ تا ۲۷.
- ۳۲۵ - همانجا؛ ص ۳۰.

- ۳۲۶- مکاتبات مصدق، جلد ۱۰ (پاریس، انتشارات مصدق، ۱۳۴۵)، ص ۹۵.
- ۳۲۷- همانجا؛ ص ۹۶.
- ۳۲۸- همانجا؛ ص ۹۷.
- ۳۲۹- خاطرات و تألمات مصدق؛ به کوشش ایرج افشار، انتشارات علمی، صص ۲۹۹ و ۳۰۰.
- ۳۳۰- همانجا؛ صص ۳۰۰ و ۳۰۱.
- ۳۳۱- همانجا؛ صص ۳۰۲ و ۳۰۳.
- ۳۳۲- همانجا؛ صص ۳۰۴ تا ۳۰۶.
- ۳۳۳- همانجا؛ صص ۳۰۷ تا ۳۱۲.
- ۳۳۴- همانجا؛ صص ۳۱۲ تا ۳۱۴.
- ۳۳۵- همانجا؛ صص ۳۱۴ تا ۳۱۷.
- ۳۳۶- همانجا؛ صص ۳۱۹ تا ۳۲۰.
- ۳۳۷- همانجا؛ صص ۳۲۰ تا ۳۲۳.
- ۳۳۸- همانجا؛ صص ۳۲۳.
- ۳۳۹- همانجا؛ صص ۳۲۴.
- ۳۴۰- همانجا؛ صص ۳۲۵.
- ۳۴۱- همانجا؛ صص ۳۲۶ و ۳۲۷.
- ۳۴۲- همانجا؛ صص ۳۲۳ و ۳۲۸.
- ۳۴۳- همانجا؛ صص ۳۳۰ و ۳۳۲.
- ۳۴۴- از اسناد مرحوم شیخ باقرنهاوندی.
- ۳۴۵- با سپاس و تشکر از آقای مهندس نظام‌الدین موحد که بدرخواست این بنده با آقای مهندس جانگیرحق شناس ملاقات و برای چاپ در این مجموعه از ۹ فقره نامه‌های دکتر مصدق به آقای مهندس حق شناس عکس تهیه و در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۴۶- از اسناد آقای مهندس جهانگیر حق شناس.
- ۳۴۷- با تشکر از آقای علی مراد فراشبندی که عکس این نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۴۸- با تشکر از آقای سرهنگ کیومرث راستین که با روئی گشاده و سعه صدر اسناد خانوادگی خود را در اختیار راقم قرار دادند. از این پس از اسنادی که توسط ایشان در اختیار راقم قرار گرفته است بعنوان اسناد سرهنگ راستین نام خواهیم برد.
- ۳۴۹- از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۵۰- از اسناد آقای دکتر محمود مصدق.
- ۳۵۱- آرشیو اسناد مؤسسه پژوهش و...، ش س ۶۰۸۰۳/۲-۴۱-۱۱۸.
- ۳۵۲- از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۵۳- همانجا.
- ۳۵۴- با تشکر از آقای داریوش فروهر و خانم پروانه اسکندری که عکس تعدادی از نامه‌های دکتر مصدق به خود را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۵۵- از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۵۶- همانجا.
- ۳۵۷- همانجا.
- ۳۵۸- همانجا.
- ۳۵۹- همانجا.
- ۳۶۰- همانجا.
- ۳۶۱- از اسناد آقای مهندس حق شناس.
- ۳۶۲- از اسناد سرهنگ راستین.

- ۳۶۳- از اسناد دکتر محمود مصدق.
- ۳۶۴- از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۶۵- همانجا. ۳۶۶- همانجا. ۳۶۷- همانجا. ۳۶۸- همانجا.
- ۳۶۹- همانجا. ۳۷۰- همانجا.
- ۳۷۱- «مکتوبات مصدق»؛ ج ۱۰؛ انتشارات مصدق،... ص ۹۸.
- ۳۷۲- از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۷۳- از اسناد آقای دکتر سعید فاطمی.
- ۳۷۴- همانجا.
- ۳۷۵- از اسناد مهندس جهانگیر حق‌شناس.
- ۳۷۶- از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۳۷۷- همانجا.
- ۳۷۸- با تشکر از آقای دکتر ابراهیم یزدی که عکس این نامه و چند مکتوب دیگر را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۷۹- از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۸۰- اسناد نهضت آزادی ایران، ج اول قسمت دوم، از انتشارات نهضت آزادی ایران (خارج از کشور) ص ۱.
- ۳۸۱- مکتوبات دکتر مصدق؛ ج ۱۰، انتشارات مصدق، ص ۹۸.
- ۳۸۲- همانجا؛ ص ۹۹.
- ۳۸۳- از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۳۸۴- کاتوزیان (دکتر محمدعلی)؛ خاطرات سیاسی خلیل ملکی؛ شرکت انتشار؛ ۱۳۶۸، ص ۴۳۰.
- ۳۸۵- همانجا؛ ص ۴۵۸.
- ۳۸۶- مکتوبات دکتر مصدق؛ ج ۱۰، ص.
- ۳۸۷- با تشکر از آقای سیدهادی خسروشاهی که عکس این سند را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۳۸۸- روزنامه باخترامروز (خارج از کشور)، ش ۲۴؛ ۱۵ اسفند ۱۳۴۰.
- ۳۸۹- از اسناد سرهنگ راستین.
- ۳۹۰- اولین کنگره حزب مردم ایران؛ فروردین ماه ۱۳۴۱؛ ص ۵.
- ۳۹۱- با تشکر از آقای دکتر فرهاد عطائی که عکس این نامه را در اختیار گردآورنده قرار دادند.
- ۳۹۲- از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۳۹۳- از اسناد دکتر ابراهیم یزدی.
- ۳۹۴- از اسناد آقای داریوش فروهر.

- ۳۹۵ - همانجا.
- ۳۹۶ - مکتوبات دکتر مصدق، ج ۱۰؛ ... ص ۱۰۰.
- ۳۹۷ - از اسناد مهندس جهانگیر حق شناس.
- ۳۹۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج ۱۰؛ ... ص ۱۰۱.
- ۳۹۹ - با تشکر از آقای سیدهادی خسروشاهی که عکس این سند را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۴۰۰ - اولین کنگره حزب مردم ایران؛ فروردین ماه ۱۳۴۱؛ ص ۲۴.
- ۴۰۱ - کاتوزیان (دکتر محمدعلی)؛ خاطرات سیاسی خلیل ملکی؛ ... ص ۴۶۰.
- ۴۰۲ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۰۳ - از اسناد مهندس حق شناس.
- ۴۰۴ - روزنامه باخترا امروز (خارج از کشور).
- ۴۰۵ - با تشکر از آقای شیخ مصطفی رهنما که عکس این سند را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۴۰۶ - مکتوبات دکتر مصدق، ج ۱۰؛ ... ص ۱۰۳.
- ۴۰۷ - همانجا؛ ص ۱۰۵. ۴۰۸ - همانجا؛ ۱۰۶.
- ۴۰۹ - تفضلی (محمود)؛ مصدق، نفت، کودتا، امیرکبیر، ۱۳۵۸؛ ص ۹.
- ۴۱۰ - روزنامه باخترا امروز (خارج از کشور).
- ۴۱۱ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ... ص ۱۰۵.
- ۴۱۲ - همانجا؛ ص ۱۰۷.
- ۴۱۳ - از اسناد آقای ادیب پرومند.
- ۴۱۴ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۱۵ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ... صص ۱-۳.
- ۴۱۶ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۴۱۷ - همانجا.
- ۴۱۸ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۱۹ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۲۰ - از اسناد دکتر ابراهیم یزدی.
- ۴۲۱ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۲۲ - همانجا.
- ۴۲۳ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۴.
- ۴۲۴ - آرشیو اسناد موسسه پژوهش و ...
- ۴۲۵ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۲۶ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۱۸۹.

- ۴۲۷ - امیرعلائی (دکتر شمس‌الدین)؛ خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران، دهخدا، ۱۳۵۸، صفحه پشت جلد.
- ۴۲۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۱۹۰.
- ۴۲۹ - همانجا؛ ص ۱۹۱. ۴۳۰ - همانجا؛ صص ۵ و ۶.
- ۴۳۱ - از اسناد دکتر محمود مصدق.
- ۴۳۲ - با تشکر از آقای ناصر کمیلیان که بدرخواست راقم عکس این نامه را از مرحوم حسین گلزار برای درج در این مجموعه دریافت داشتند.
- ۴۳۳ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۳۴ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۷.
- ۴۳۵ - همانجا؛ ص ۸.
- ۴۳۶ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۳۷ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۹.
- ۴۳۸ - همانجا؛ صص ۱۰ تا ۱۳.
- ۴۳۹ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۴۴۰ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۴۱ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ صص ۱۵ تا ۱۹.
- ۴۴۲ - از اسناد مرحمتی آقای سیدهادی خسروشاهی.
- ۴۴۳ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۳۶. ۴۴۴ - همانجا؛ صص ۳۷ تا ۴۲.
- ۴۴۵ - با سپاس و تشکر از جناب آقای علی اردلان که عکس این سند را در اختیار نگارنده قرار دادند.
- ۴۴۶ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۵۰.
- ۴۴۷ - همانجا؛ ص ۸۶. ۴۴۸ - همانجا؛ ص ۶۴. ۴۴۹ - همانجا؛ ص ۶۵.
- ۴۵۰ - از اسناد مرحمتی آقای سیدهادی خسروشاهی.
- ۴۵۱ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۶۹ تا ۷۳.
- ۴۵۲ - همانجا؛ ص ۶۶. ۴۵۳ - همانجا؛ ص ۶۷.
- ۴۵۴ - با استفاده از سند مندرج در بیانیه حزب ملت ایران بمناسبت ۲۹ خرداد ۱۳۷۴.
- ۴۵۵ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۵۶ - همانجا.
- ۴۵۷ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ صص ۷۴ تا ۷۶.
- ۴۵۸ - با تشکر از آقای عینکچی که عکس این نامه را در اختیار قرار دادند.
- ۴۵۹ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ صص ۷۷ تا ۷۹.
- ۴۶۰ - همانجا؛ صص ۱۱۰ و ۱۱۱.

- ۴۶۱ - سند مرحمتی آقای شیخ مصطفی رهنما.
- ۴۶۲ - با تشکر از آقای کاوه بیات.
- ۴۶۳ - ... تصاویر دکتر مصدق.
- ۴۶۴ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ... صص ۸۹ تا ۹۱.
- ۴۶۵ - از اسناد مهندس جهانگیر حق‌شناس.
- ۴۶۶ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ... ص ۱۹۲.
- ۴۶۷ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۶۸ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۸۲.
- ۴۶۹ - همانجا؛ ص ۱۹۳.
- ۴۷۰ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۷۱ - همانجا.
- ۴۷۲ - مکتوبات دکتر مصدق، جلد دهم؛ ص ۹۲.
- ۴۷۳ - از اسناد مهندس جهانگیر حق‌شناس.
- ۴۷۴ - تصاویر دکتر مصدق.
- ۴۷۵ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم، ص ۱۷۸.
- ۴۷۶ - با تشکر از آقای احمد انواری که راقم را از مأخذ این سند مطلع فرمودند (روزنامه پرخاش، ش ۱۱؛ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸)
- ۴۷۷ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۴۷۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ صص ۱۱۳ و ۱۱۴.
- ۴۷۹ - همانجا؛ ص ۱۱۵.
- ۴۸۰ - فیروز (مریم)؛ چهره‌های درخشان. با تشکر از آقای دکتر باقر عاقلی که راقم را از وجود این سند مطلع و با سپاس از آقای کاوه بیات که بدرخواست راقم متن آن را تلفنی قرائت فرمودند.
- ۴۸۱ - مجله نگین؛ سی‌ام آبان ۱۳۵۷، ش ۱۶۲ سی چهاردهم.
- ۴۸۲ - با تشکر از آقای مهندس وحید میرزاده که متن کامل نامه را در اختیار راقم قرار دادند.
- ۴۸۳ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ صص ۱۲۰ و ۱۲۱.
- ۴۸۴ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۴۸۵ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۴۸۶ - از اسناد مرحمتی آقای شیخ مصطفی رهنما.
- ۴۸۷ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۸۸ - ترکمان (محمد)؛ آیا مصدق فراماسون بود؟؛ انتشارات ابوزر، ۱۳۵۸؛ ص ۴۹ به نقل از: مجله راهمای کتاب، ش ۸-۱۲ - آبان - اسفند ۱۳۵۷؛ سال بیست و یکم، ص ۵۸۰ مکرر.

- ۴۸۹ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۹۰ - از اسناد مهندس حق‌شناس.
- ۴۹۱ - از اسناد دکتر سعید فاطمی.
- ۴۹۲ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم.
- ۴۹۳ - تصاویر دکتر مصدق.
- ۴۹۴ - از اسناد سرهنگ راستین.
- ۴۹۵ - همانجا. ۴۹۶ - همانجا.
- ۴۹۷ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۴۹۸ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۴۹۹ - مرحمتی آقای سیدهادی خسروشاهی.
- ۵۰۰ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۵۰۱ - همانجا.
- ۵۰۲ - از اسناد مرحمتی آقای احمد انواری.
- ۵۰۳ - از اسناد آقای داریوش فروهر.
- ۵۰۴ - از اسناد آقای ادیب برومند.
- ۵۰۵ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم.
- ۵۰۶ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۵۰۷ - افشار (ایرج)؛ مصدق و مسائل حقوق و سیاست، انتشارات زمینه، ۱۳۵۸، ص ۱۳۸.
- ۵۰۸ - آرشیو اسناد مؤسسه پژوهش و نامه‌های بدون تاریخ... ش س ۸۳۰ - ۲۹۳.
- ۵۰۹ - روزنامه ایران؛ ش ۱۵۷.
- ۵۱۰ - یادداشتهای دکتر قاسم غنی؛ ج ، صص ۴۹۶ و ۴۹۷.
- ۵۱۱ - روزنامه ایران؛ ش ۱۵۷.
- ۵۱۲ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۵۱۳ - همانجا.
- ۵۱۴ - همانجا. ۵۱۵ - همانجا.
- ۵۱۶ - از اسناد مرحوم مهندس حسینی.
- ۵۱۷ - همانجا.
- ۵۱۸ - آرشیو مجلس شورای ملی.
- ۵۱۹ - همانجا. ۵۲۰ - همانجا(این سند مربوط به دوره پنجم تقنینیه است).
- ۵۲۱ - از اسناد مرحمتی آقای دکتر علی مدرسی.
- ۵۲۲ - از اسناد سرهنگ راستین.

- ۵۲۳ - همانجا. ۵۲۴ - همانجا. ۵۲۵ - همانجا. ۵۲۶ - همانجا.
 ۵۲۷ - همانجا. ۵۲۸ - همانجا. ۵۲۹ - همانجا. ۵۳۰ - همانجا.
 ۵۳۱ - همانجا. ۵۳۲ - همانجا. ۵۳۳ - همانجا. ۵۳۴ - همانجا.
 ۵۳۵ - همانجا. ۵۳۶ - همانجا. ۵۳۷ - همانجا. ۵۳۸ - همانجا.
 ۵۳۹ - همانجا. ۵۴۰ - همانجا. ۵۳۲ - همانجا. ۵۴۱ - همانجا.
 ۵۴۲ - همانجا. ۵۴۳ - همانجا. ۵۴۴ - همانجا. ۵۴۴ - همانجا.
 ۵۴۵ - همانجا. ۵۴۶ - همانجا.
 ۵۴۷ - روزنامه گیلان شرق، شماره ۹.
 ۵۴۸ - مکتوبات دکتر مصدق، ج دهم؛ ص ۱۰۸.
 ۵۴۹ - از استاد آقای داریوش فروهر.
 ۵۵۰ - مجموعه مقالات دکتر سیدحسین فاطمی در باختر امروز؛ انتشارات مدرس؛ استقلال،
 ۱۳۵۷.
 ۵۵۱ - از استاد سرهنگ راستین.

پس ۲۹ شهریور ۱۳۲۲

تقدیرم
 خیر بخدمت تو در اول
 آتت سارک گران حکمت فلا صرف بوجوه
 بگیاں علم تو این است چنانکه در مضمون
 گران حکمت است این حرف عظیم بهیچ علم
 ساطع عدل روانه ایران را من میسر شده و در خواب
 آن را سرزمین لغزشم حد اگر است
 آتت خود را چنانچه خودت عدل
 دارم در ایران عهد گذشته
 در مصفا بیدارم در روضه مطهره
 بر نیز ستم است چنانچه در راه اگر خوشتر
 در شهرت حکمت عالم تراحم خدمت

بسم الله الرحمن الرحیم
 در این روزگار که همه را
 در راه عدل و انصاف
 در راه حق و راستی
 در راه سعادت و نجات
 در راه کمال و رفاه
 در راه شرف و جاه
 در راه کرامت و جاه
 در راه کمال و رفاه
 در راه شرف و جاه
 در راه کرامت و جاه

۲۵
 دستخط
 در راه ۱۳۳۲
 ارتش

دستخط دکتر مصدق پس از دریافت دستخط شاه در شب کودتای انگلیسی - امریکایی و ارتجاعی ۲۵ مرداد ۳۲



مخت وزیر

تاریخ ۲۵/۷/۳۲

شماره ۱۷۲۰۹

پیوست

ستاد ارتش

مفتض است بظهورین صورت اکیدا که سفیر فرانسویان که با یک
 مراقبت را بعمل آورند که از فرار سرلشکرزاهدی جلوگیری
 نمود • چنانچه نتوانند در این باب بعمل آید موجب
 مسئولیت شد که خواهد بود • مخت وزیر

[Handwritten signature]

اترک ۲۵ اردیبهشت ۱۳۴۰

حضرت خدای آمانی فدیس مهندس بازرگان

قوانین شوم موقر سر محترم سرزخ ۲۱ شهریور ۱۳۴۰
جستجوی نام «دوست آزادی ایران» غرضم از آن
در بزم نیت آن عزیز می گوید سرکات مهمان خود را
تعمیر کنیم و برادرانم در این جهت تحت رهبری شما
موضوع مذکور را گفت بجهت خواجه شد و من در این
و امگاران همزمان را در این راه از همه از همه مسألت دارم
دکتر ازاد

احمدآباد ۱۱ آذر ۱۳۴۲

عرض مشور
 برودم که خبر قبول ارزانی
 به آن گویم در این باره که کار سازگار
 بسیار مهم بودم و فکر نظر بر آن
 زبانی در این باره که خود سنجیده
 بسیار تنها زود خصم آن را که در گوشه
 بپذیرد این است و یک نامه بکنم که
 در این روزهای سنگین هم دارم این
 دکتر مصدق

نامه دکتر مصدق به آقای شیخ مصطفی رهنما و اشاره به کتاب «سرگذشت فلسطین» ترجمه آقای هاشمی رفسنجانی و ارسال چک برای خرید مجلداتی از آن کتاب و توزیع در میان علاقه‌مندان

احزاب ۳ آبان ۱۳۴۴

جناب آقای عبد العلی بازرگان

کتاب «آزادی هند» بقلم جناب سرکار آید
 در رسم یا رنگ آن را انحصار نموده در این نوبه اصل فرستاده
 شرف قبول دارد از آنجا که تاکنون خواننده این خلاصه نوشته
 کتب نموده به دردم آن را قلم نگه داشته اند این بار در
 بسیار ستوده ایم الحق بسیار خوب تنظیم شده به طریقی
 می‌رساند که در آن بجز برای بسیاری است آرزوی نظر دیگران
 و سلیقه برنده پسند از آردن ^{حاصل} اطلاع فرمایم نیز تمام
 جنبانی نیز می‌نویسیم در سبب در کتب مقصد برسانند و دیگر
 اگر چه خواهیم در ادوات تصانیف را حدت بر سر بردارند
 تقدیم نیز الحق در راه حدت برطن از ^{بسیار} کتب
 وحدت اگر لری را بجز فرموده اند در کتب سادست این
 مرد و طریقت در ^{سپاس} با در ایشان را در حدت و در
 در کتب سادست خود را تقدیم نکنم ^{بسیار} است ما خواهی
 در کتب سادست

وصیت نامه‌ی دکتر محمد مصدق

نزدیک
نزدیک
نزدیک

(۱) وصیت میکنم فقط فرزندان و نوه‌های فرزندانم از جواهری که تقسیم کرده‌ام در اختیار خودشان بماند.

(۲) بدون سینه‌ری یا نوشته‌ی بخط من یا خط کسی دیگر در این وصیت

(۳) نظر بگیرم طبق بنام در صورتی که در دفتر من در شماره ۳۹ طهران شاخ خیابان در خانه‌ی شماره ۳۹

خوبنشینده ام پس از برگشتن این جانب دارم در شرح زیر

۴۲۱۵۶
۱۳۲۹ - ۱۳۲۹

الف - شاخ خانه‌ی واقع در کوچه‌ی آرزوی ملک خانم قیامیه بیات مصدق شماره ۳۹

۴۲۱۵۷
۱۳۲۹ - ۱۳۲۹

ب - شاخ چهارمک از خانه‌ی شماره ۳۹ در آن سکونت دارم که در دفتر من در شماره ۳۹

۴۲۱۵۸
۱۳۲۹ - ۱۳۲۹

ج - حق الارض عمارت شماره ۳۹ کوچه‌ی شماره ۳۹ در کوچه‌ی شماره ۳۹

۴۲۱۵۹
۱۳۲۹ - ۱۳۲۹

د - متعلقات واقع در عمارت شماره ۳۹ کوچه‌ی شماره ۳۹ در کوچه‌ی شماره ۳۹

۴۲۱۶۰
۱۳۲۹ - ۱۳۲۹

از بیت شاخ خیابان اول سلمی در صورتی که در دفتر من در شماره ۳۹

در وجه آیه ماند برای نماز روزه در حج این جانب بکار برنده دارم و در سال دوم قطعه‌ی زمین را برای

دانشگاه طهران بابت شهر با نظر بنام من آنگاه از نوه‌ی من که در آن زمین قطعه‌ی زمین را در اختیار

داشته‌ام به مبلغ نود و نه تومانی آن را به نوه‌ی من که در آن زمین قطعه‌ی زمین را در اختیار

جدید آن بنام من بابت شهر بکار برنده دارم و در سال دوم قطعه‌ی زمین را برای